هو

صورت تمام وختنامه

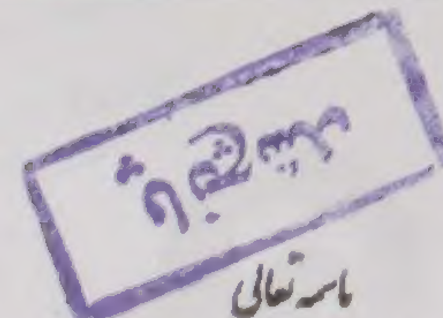
پدیر فت بنا بر خواهش حسب

الفرمایش جناب مستطاب عمدة الاعیان و التجار افتخار الحاج و المعتمر حاجی محمد اسمعیل آقا الاصل طهرانی المسکن المعروف بقمی زید توفیقه و دام عمره و قد تمت هذه النسخة الشریفة من ید اقل السادات ابن ...

علی نجل ابراهیم شهریزی

الحجة الحرام من شهور سنه ۱۳۱۹

۲۳۹۲۰۵





باسمه تعالی

فهرستبرگه منابع چاپ سنگی - اداره مخطوطات

شماره ثبت: ۱۰۹۷۵

رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۳۴۲۲ ص۴۷۷ م ۱۳۲۰ مرجع ☐

سرشناسه: صدر اصفهانی، اسماعیل بن صدرالدین، ۱۲۵۶؟-۱۳۳۷ ق.

عنوان قراردادی:

عنوان: مختصر مفتاح الهدایة مسمی به راه راست بضمیمه ترجمه صراط المستقیم

شرح پدیدآور:

کاتب: محمدهادی اصفهانی تاریخ کتابت: ۱۳۱۹ ق

محل نشر: تهران ناشر: مطبع میرزا علی اصغر / مهدی عبدالرحیم تاریخ نشر: ۱۳۲۰ ق

صفحه شمار: ۱۳۷ ص مصور ☐ درسی ☐ گراور یا افست ☐

زبان: فارسی ابعاد: ۱۱×۱۸ نوع خط: نسخ

روش تهیه: وقفی ☐ اهدایی ☐ خریداری ☑ ارسالی ☐

واقف: خریداری از آقای السبیجی تاریخ ثبت: مهر ۱۳۸۰

یادداشتها: شرح ضمایم: ترجمه صراط المستقیم. (مشتمل بر اصول و فروع دین است) عنوان دیگر: ۱. راه راست. ۲. مفتاح الهدیة.

موضوع(ها): ۱. فقه جعفری - رساله عملیه.

شناسه(های) افزوده: ب. عنوان. الف. اصفهانی، محمدهادی، کاتب. ج. عنوان: راه راست. د. عنوان: مفتاح الهدیة ه. عنوان: ترجمه صراط المستقیم.

فهرستنگار: ... تاریخ فهرستنگاری: اردیبهشت ۸۱

[illegible]

و به نستعین بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوة علی اشرف النبیین محمد و آله
الطاهرین و لعنة الله علی اعدائهم اجمعین بدانکه این
مختصریست از کتاب مفتاح الهدایه مسمی براه راست ترجمهٔ
صراط المستقیم مشتمل بر دو مقصد و خاتمه مقصد
اول در اصول دین و مقصد دوم در فروع دین
مقصد اول مشتمل بر چند مطلبست اول اصول عقاید
پنج است توحید و نبوت و عدل و امامت و معاد روز
مقر اداء بتوحید

قیامت

۳ قیامت و علماء اعلام توحید و نبوت و معاد را اصول دین
میدانند و عدل و امامت را اصول مذهب میخوانند و شمردن
عدل با اینکه خداوند جل جلاله از صفات ثبوتیه است
جهتش اینست که بسیاری اهل سنت و جماعت بلکه کل ایشان
در این زمانه اشاعره اند عدل را منکراند و بجبر قائل
اند مثل امامت ائمه طاهرین علیهم السلام که از ایشان قبول
ندارند با اینکه اخبار متواتره وارده از حضرت خاتم
النبیین صلی الله علیه و آله و سلم که ائمه دوازده
نفرند منطبق بر غیر ایشان نمیتوانند بشوند پس عدل و امامت
از اصول مذهب میباشد مطلب دوم مشتمل
بر پنج مقام است مقام اول معنی توحید اینست که خداوند
عالم یک و یگانه است و دارای تمام صفات کمال و

منزه

منزه از همه صفات نقص میباشد و دلیل بر توحید همین
بس است که موجودات از آسمانها و زمینها و آنچه در آنها
هست خود آنها نمیشود خالق خود باشند و مثل آنها
هم نمیتوانند آنها را خلق کنند پس باید خالق قادر عالمی
بوده باشد که ذات او احتیاج بدیگری نداشته باشد
که او را خلق کند و آن نیست مگر پروردگار یگانه که
اول و آخری ندارد چه اگر خدا بیش از یکی باشد آسمان
و زمین فاسد و خراب میگردد و علماء صفات
خدا را که باید اعتقاد بثبوت نمود هشت فرموده و
صفات ثبوتیه نامیده اند عالم قادر حی مدرک
مرید ازلی ابدی متکلم صادق و صفاتی که باید اعتقاد
نمود که در خدا نیست هفت شمرده اند و صفات سلبیه

نام

نام نهاده اند اول جسم و مثل جسم و آنچه لازمه جسم است
نیست دوم مرکب نیست سیم محل حوادث نیست چهارم
دیده نمیشود نه در دنیا و نه در آخرت پنجم شریک ندارد
ششم معانی و احوال که صفات زاید بر ذات است ندارد هفتم
محتاج نیست مقام دوم معنی عدل آنستکه خدا
عادل است و ظالم نیست و دلیل بر آن آنستکه ظلم
قبیح است و قبیح بالضروره سزاوار خدائی نیست
مقام سیم معنی نبوت آنستکه بشری از جانب خدا بیاید
و مردم را بدین و آئین بخواند و در خبر وارد شده است
که صد و بیست و چهار هزار پیغمبر بوده اند و حضرت
محمد بن عبد الله صلی الله علیه و آله و سلم اشرف
و خاتم پیغمبران است و دلیل بر نبوت آن بزرگوار معجزات

در عدل است

در نبوت است

است که از او متواتر است که یکی از آنها قرآن مجید است که
آنحضرت از جانب خدا آورده و هیچکس نتوانست که
مثل آنرا اگرچه سوره باشد بیاورد مقام چهارم
یعنی امامت است که دوازده نفر وصی و جانشین محمد
بن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم میباشند
حضرت امیرالمؤمنین علی ابن ابیطالب علیه الصلوة و السلم
و امام حسن و امام حسین علیهما الصلوة و السلم
و امام زین العابدین علیه السلم و امام محمد باقر علیه السلم
و امام جعفر صادق علیه السلم و امام موسی کاظم
علیه السلم و امام رضا علیه السلم و امام محمد تقی علیه السلم
و امام علی النقی علیه السلم و امام حسن عسکر علیه السلم
و امام عصر حجة ابن الحسن صاحب الزمان علیه الصلوة و السلم

که

که زنده و غایب و منتظر فرج است و بعد از ظهور موفور
السرور شان پر خواهد کرد زمین را از عدل و داد
چنانچه پر بود از ظلم و جور و این دوازده امام مثل
حضرت محمد ابن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم
معصوم‌اند از معصیت و خطا و سهو و حضرت
فاطمه زهرا سلام الله علیها دختر حضرت محمد ابن
عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم معصومه طاهره
مطهره میباشد و دلیل بر امامت این بزرگواران
معجزاتیست که از آنها ظاهر شده و اخبار متواتره که از
حضرت محمد ابن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم و
سایر معصومین علیهم السلم بر امامت آنها رسیده مقام
پنجم یعنی معاد آنست که تمام خلایق در روز قیامت زنده

میشوند

میشوند و طایفه به بهشت و طایفه بجهنم خواهند
رفت و دلیل بر این آنستکه در دنیا میبینیم که جزای
خوب و بد داده نمیشود و اگر اخروی هم نباشد که جزای
عمل هر کسی را بدهند پس خلقت خلایق لغو و عبث
خواهد بود و کار لغو و عبث بر بی نیاز مطلق روا نیست
مطلب سیم آنکه بر هر کسی واجب است که یقین باصول
دین و مذهب داشته باشد و واجب نیست
دلیلها بشکل اهل علم استدلال بآنها میکنند بداند
بلکه از هر جا که یقین از برای او حاصل شود کفایت
میکند انشاء الله تعالی و باید ضروریات دین را که
تمام بدهد مثل وجود بهشت و جهنم و ثواب و عقاب
و معاد و معراج جسمانی و امثال آنها و نماز و روزه و

حج و زکوة و خمس و امر بمعروف و نهی از منکر و امثال
آنها و محرمات مثل زنا و شرب و لواط و ظلم و خوردن
ربا و مال صغیر و دیوانه و امثال آنها پس آنکه اعتقاد
بآنچه ذکر شد داشته شیعه اثنی عشریه خواهد بود
پروردگار عالم ما را و همه را براه راست هدایت فرماید
بحق محمد و آله الطاهرین صلوات الله علیهم اجمعین مقصد
دوم در فروع دین است و آن مشتمل است بر چند کتاب
اول کتاب طهارت و آن مشتمل است بر چند مقام مقام
اول در احکام آبها است بدانکه آب بر چند قسم است
اول آبی که ماده دارد و آن بر دو نوع است یکی آب جاری
و آن آبیست که ماده دارد و بر روی زمین هم جاری
روان است و دیگر آب چاه و چشمه که ماده دارد و لیکن

جاری و روان نیست دوم آب بی‌ماده و آن نیز دو قسم
است کثیر و قلیل کثیر عبارت از آبی است که یکصد و
بیست و هشت من تبریز الا بیست مثقال باشد یا بحسب
مساحت هر یک از طول و عرض و عمق آن سه وجب و نیم
باشد که مجموع آن در هر شکلی چهل سه وجب الا هشت
یک وجب باشد و این مقدار را کر مینامند و قلیل آبی
است کمتر از این مقدار باشد اما آب بی‌ماده دار همه اقسامش
بملاقات نجاست نجس نمیشود و اما آب بی‌ماده پس اگر کر
است نه بملاقات نجاست نجس نمیشود و اگر قلیل است بمجرد
میشود و آب باران در حکم آب جاری است و هر یک از اینها
بهمه اقسامی که ذکر شد اگر رنگ یا بو یا مزه آن بواسطه
ملاقات عین نجاست تغییر یافت نجس میشود و پاک نمی‌شود

مگر بزوال تغییر و ممزوج شدن با آب طاهری که بملاقات
نجاست نجس نمیشود و چیزهائیکه اطلاق آب بتنهائی
بر آنها صحیح نیست مثل گلاب و آب انگور و آب هندوانه
و هر چیز دیگر و آنچه مثل اینها باشد بمجرد ملاقات نجاست
نجس میشود و قابل پاک شدن هم نیست مگر اینکه در آب
کر یا جاری نیست و نابود شود مقام دوم
در آداب بیت الطهاره واجب است در حال تخلی و در
سایر حالات پوشانیدن عورتین از نامحرم و از طفل
غیر ممیز لازم نیست و حرام است رو بقبله یا پشت بقبله
کردن و واجب است شستن مخرج بول با آب دو دفعه
و اما مخرج غایط بکهنه و سنگ و مثل آنهم پاک میشود
اگر تعدی نکرده باشد بشرط آنکه کمتر از سه کهنه یا

شد کر و جاری و آب باران

[illegible]

سنت استعمال نکند و اگر عین نجاست پاک نشد زیاد ١٢

لازم است و حرام است استعمال چیزهائیکه در شرع

مطهره محترم است مثل ورق قرآن یا تربت و امثال آنها

اگر بقصد استخفاف نباشد والا کفر است و همچنین حرام

است استعمال سرگین و استخوان و چیزهای خوردنی

مقام سوم در نجاسات است و در آن دو فصل است

فصل اول در انواع نجاسات است و آن دوازده است

اول و دوم بول و غایط است از هر حیوان حرام گوشتی

۲ چه حرمة گوشت انها بالاصل باشد

که خون جهنده داشته باشد مثل شیر و پلنگ و

گرگ و روباه و امثال آن و چه بالعرض مثل گوسفند

و شتر جلال و امثال آن سوم و چهارم منی و خون

از هر حیوانیکه خون جهنده داشته باشد چه حرام گوشت

١٣ باشد و چه حلال گوشت مگر خونیکه در ذبیحه حلال

گوشت بماند بعد از ریختن خونیکه در وقت ذبح

متعارف ریخته شود پنجم و ششم سگ و خوک صحرائی

و تمام اجزای این دو نجس است حتی اجزائیکه روح در آنها

دمیده نشده مثل مو و ناخن و امثال آن هفتم

میته از هر حیوانی که خون جهنده داشته باشد خواه

حلال گوشت خواه حرام گوشت در همه حال مگر میته

آدمی که نجاست آن مخصوص است بعد از سرد شدن و پیش

از غسل دادن است و اجزائیکه از حیوان غیر خوک و سگ

و انسان غیر کافر جدا شود اگر روح در آن دمیده

نشده پاک و الا نجس است هشتم کافر چه ذمی باشد

و چه حربی و مرتد چه فطری باشد و چه ملی و همچنین است

و در حکم کافرند غلاة و خوارج و نواصب اگر منتحل بنحله اسلام باشند ع مد ظله

حکم اجزای انها هر چند اجزائیکه روح در انها دمیده
نشده نهم شراب و هر مست کننده که در اصل روان
باشد هر چند بخشکد و همچنین است اب انگور یکه سخت
بجوش اید و دو ثلث ان نرفته باشد دهم فقاع است
وان شرابی است که از جو بعمل می اید یازدهم عرق
جنب از حرام است خواه در وقت جنابت باشد
یا بعد خواه در زن باشد خواه در مرد خواه از زنا
باشد یا لواط یا وطی بهیمه یا غیر انها دوازدهم
عرق شتر جلال بلکه مطلق حیوان جلال بنابر
احوط و مراد از حیوان جلال حیوان نجاست خوار است
فصل دوم در احکام نجاسات شرط است ازاله
نجاست از بدن و جامه بجهت نماز و طواف و از محل

سجود

سجود و از ظرف بجهت خوردن و اشامیدن و از مساجد
و مصاحف و جلد مصاحف و ضرایح مقدسه
و خون جروح و قروح مادامیکه منقطع نشود و
مشقت داشته باشد و خون کمتر از درهم اگر از حیض و
نفاس و استحاضه و نجس العین چون سگ و خوک و
کافر نباشد معفو است مقام چهارم در مطهرات
و کیفیت تطهیر و چیزهائیکه پاک کننده است و ان
چیزهائیکه پاک کننده است و ان دوازده چیز است
اول اب است بدانکه اب اگر کر یا جاری باشد پاک می کند
هر متنجسی را که بان برسد حتی خود اب اگر متنجس شود
و اگر اب غیر جاری قلیل باشد سایر متنجسات غیر از اب
را پاک میکند بشرط انکه اب با جزاء ان برسد و مضاف

نشود

١٦ نشود و فشار بدهند که فشار بردار است بلکه مطهر فشار
را اگر چه کمی باشد بدهند و بعد دزاد در غیر جاری
نوك نما بند بلکه در ظرفها خوط سه مرتبه است دویم
زمین است و آن پاك میکند محل استنجا و کف پا و ته
کفش و امثال آنرا سوم آفتاب و آن پاك میکند زمین
و هر چه بر زمین متصل است و قابل برداشتن و
گذاشتن نیست مثل عمارتها و چوبها و درها و
میخهای آنها و درختها و گیاهها و میوهها مادام که
چیده نشده اگرچه رسیده باشد و اگر متنجس بغیر
آفتاب خشکیده باشد دوباره او را ترکنند و بتابش
آفتاب بخشکد پاك میشود چهارم استحاله است
آن چیز بچیزی مبدل شدن است مثل آنکه شراب

١٧ سرکه و سنگ نمک و چوب خاکستر شود پنجم اسلام
و آن پاك میکند بدن کافر و اجزاء متصله با او از
مو و ناخن و رطوبات و غیرها اما ظرف و لباسی که
در حال کفر با رطوبت با آن ملاقات کرده نجس است
و فرزند صغیر باسلام پدر یا مادر پاك میشود
ششم کم شدن آب انگور بعد از دو ثلث چه باتش
و چه با آفتاب ثلث دیگر را پاك میکند و اگر بهوا
ثلثان شود خوط اجتناب است هفتم تبعیت و آن
پاك میکند جامه و دست جوشاننده آب انگور
و آلات طبخ آنرا بشرط آنکه مشغول طبخ باشد تا وقتی که
ثلثان شود و دست شوینده لباس و بدن بتبعیت
لباس و بدن را و اطفال کفار بتبعیت پدر یا مادر در پاك

میشود چنانچه گذشت هشتم انتقال چیزیکه محکوم
بنجاست بوده بمحلیکه محکوم بطهارت است مثل خون
انسان یا حیوان که منتقل شدن کیک یا پشه ومثال
ان شود ومنتقل شدن آب نجس بعروق درختها و
میوها وگیاهها واگر شک در انتقال داشته باشد
محکوم بنجاست است نهم سنگ وکهنه استنجا که پاک
میکند محل غایط را چنانچه گذشت دهم برطرف شدن
عین نجاست از بدن حیوانات واز بواطن انسان مثل
باطن دماغ وگوش ودهن یازدهم جدا شدن
غساله که پاک میشود تا ان رطوبتی که در محل باقی میماند
دوازدهم غایب شدن مسلم با علم ونجاست و
احتمال التطهیر سیزدهم استبراء از منی ببول کردن و از

بول

بول بعوق مسح کردن با انگشت از اصل مقعد تا بیخ حشفه
سه مرتبه واز انجا تا سر ذکر وفشردن سر ذکر سه مرتبه که
رطوبت مشتبهه هر دو محکوم بطهارت باشد چهاردهم
رفتن خون معتاد از محل ذبح مقام بخیه ودر ان چند
فصل است فصل اول در چیزهائیکه باطل غسل و وضو
ومبطل تیمم است وان هفت چیز است اول ودوم وسوم
بول وغایط وبادیست که از معده بیرون اید چه از
موضع معتاد وچه از غیر ان چه موضع معتاد مسدود
شده باشد وچه نشده باشد اگر اسافل تنها بر ان اصل
کند چهارم خوابیکه بر گوش غالب باشد واز کار بیندازد
اول پنجم وششم مستی وبیهوشی چه باختیار باشد و
نباشد هفتم استحاضه قلیله بلکه استحاضه کثیره و

متوسطه

٢٠ متوسط و هرچه موجب غسل باشد غیر جنابت چون
حیض و نفاس و مس میت و مدار حصول نواقض مذکوره
بر علم است پس اگر مظنه یا شک در حصول یکی از
اینها داشته باشد باعث وضو نیست فصل دوم
در واجبات وضو و آن چهارده است اول شستن صورت
از رستنگاه مو تا آخر ذقن بحسب طول و میان انگشت
ابهام و وسطی بحسب عرض و آنچه از بشره صورت بموی
ریش یا ابرو پوشیده شده ظاهر آن موی را باید شست
دویم شستن دست راست از مرفق تا سر انگشتها سیم
شستن دست چپ بهمین طریق چهارم از بالا بپایین
شستن پنجم مسح کردن سر بعد بقیه صدق مسح کند
ششم مسح پشت پای راست از انگشتها تا بلندی قدم و احوط

٢١ این است که تا آخر قدم مسح کند بعد پشت پای چپ بهمین
طریق هفتم بتری رطوبت وضو مسح نمودن هشتم این
شستنها و مسح کردنها بترتیب قربت بسوی خدا تعالی
بودن نهم وضو باب مطلق ساختن دهم آب وضو
فضائیکه در آن وضو میگیرد غصبی نبودن دوازدهم
ترتیب در شستن و مسح نمودن بطریقیکه ذکر شد
سیزدهم موالات یعنی هر عضوی را بشوید و مسح نماید
پیش از خشک شدن اعضاء سابقه چهاردهم تا تواند
خود وضو بگیرد و اگر نتواند دیگری او را وضو دهد و
احوط نیت نمودن هر دو است و اگر یکی از اعضای وضو جراحت
یا قرحه داشته باشد و دوای از آن چیزی یا کهنه بسته باشد
و نتواند آب بزیر آن برساند یا نتواند و ضرر داشته باشد

... بر روی همان تخته و کهنه مسح کند کفایت میکند و لیکن احوط آن
است که بعد از آن تیمم کند و اگر عذر زایل شد و جبیره دور
شد اکتفا بآن وضو نکند و وضوی تمام بگیرد مثل وضوی
در حال تقیه که بعد از رفع آن وضو بسازد فصل
وضو بجهت سه چیز واجب است اول نماز واجب دیگر
و احتیاطی اگر بخواهد بجا آورد باید با وضو باشد
اجزاء فراموش شده نماز که قضاء آن واجب است مثل سجده
واحده و تشهد فراموش شده و رکعات احتیاط مگر نماز
میت که بی وضو میتوان کرد دوم طواف خانه کعبه هرگاه
واجب باشد اما طواف مستحب را بی وضو میتوان کرد سیم
مس کتابت قرآن هر چند مد یا تشدید و اعراب آن باشد
بهر عضوی از اعضا بدن هر چند ناخن بوده باشد

و همچنین است اسما و صفات خاصه خداوند عالم و اسماء
انبیا و ائمه و حضرت زهراء سلام الله علیهم اجمعین علی
الاحوط و نبذ و شبه آن نیز وضو واجب میشود ششم
در احکام شکها که در وضو بهم میرسد اگر وضو داشت
و شک در حدث کرد وضو صحیح است و اگر محدث بود
و شک در وضو گرفتن کرد وضو بگیرد و مظنه بوضو
گرفتن کفایت نمیکند و کسیکه علم بوضو و حدث دارد
و نمیداند کدام مقدم و کدام موخر است در حکم محدث است
و اگر بعد از وضو شک کرد در جزئی یا شرطی از آن اعتنا
نکند و کثیر الشک شکش اعتبار ندارد اگرچه در حال وضو
باشد و ترک احتیاط نکند و اگر در حال وضو شک در
شستن یا مسح کردن عضو سابق کرد آنچه را شک کرده

اعاده

اعاده کند اگر موالات بهم نخورده والا وضو را از سر گیرد
مقام ششم در غسل و واجب از آن شش است غسل جنابت
و غسل حیض و نفاس و استحاضه و مس میت و غسل اموات
و کافی و واجب میشود نیت و شبیه آن چنانچه در وضو
نیز گذشت و در این مقام چند فصل است اول سبب جنابت
دو چیز است اول خروج منی است چه از مرد و چه از زن چه
در خواب و چه در بیداری هر چند از مخرج غیر معتاد بیرون
بیاید ولیکن علم بمنی بودن آن داشته باشد و در حکم منی است
رطوبتی که بعد از انزال و پیش از بول کردن بیرون آید
پس اگر بول نکرده غسل کرد بعد رطوبتی بیرون آمد که احتمال
منی بودن آن میرود غسل را باید اعاده کند دوم
جماع و آن داخل شدن حشفه یا مقدار آن است در قبل یا

دبر زن یا مرد و آن سبب جنابت فاعل و قابل است
چه صغیر باشد چه کبیر چه عاقل باشد و چه دیوانه چه مرده
و چه زنده و در وطی بهیمه نیز احوط غسل است و کافر
و صغیر و دیوانه بعد از اسلام و بلوغ و عقل باید غسل
کنند فصل دوم حرام است بر جنب هفت چیز اول
قرائت سورهای سجده حتی بسم الله بقصد آن سورها دوم
مس کتابت قرآن حتی مد و اعراب و آنچه در وضو گذشت سیم
درنگ کردن در مساجد چهارم مرور کردن در مسجد
الحرام و مسجد پیغمبر پنجم گذاشتن چیزی در مسجد ششم
نماز هفتم طواف و مکروه است خواندن زیاده از هفت
آیه از سورهای دیگر و قرآن برداشتن و حمایل کردن و مس
جلد آن کردن و خوردن و آشامیدن و خضاب کردن

در کیفیت غسل است

٢٦ ودر وغیرها لبدن فصل سیم غصبی نبودن فضا و مخیر
وغصبی و مضاف نبودن آب و پاک بودن اعضا چنان
است که در وضو گذشت فصل چهارم در کیفیت غسل
واحکام و اقسام آن بدانکه غسل بر دو قسم است ترتیبی
وارتماسی و در هر دو قصد قربت معتبر است و کیفیت غسل
ترتیبی آنستکه بعد از نیت اول سر و گردن را بشوید بعد
جانب راست بدن بعد جانب چپ آن و عورت و ناف را
با هر دو جانب بشوید و آب بتمام بشره بدن حتی زیر موی
ریش و سر برساند و شستن موی که عرفا ملحق به بشره نیست
مثل زیادتی ریش و گیسو لازم نیست و موالات و از
بالا به پائین شستن لازم نیست و غسل ارتماسی این
است که یکدفعه بدن را بزیر آب فرو برد و در هر دو قسم

لازم

در کیفیت غسل است

٢٧ لازم است که ازاله مانع از بشره بکند تا آب بتمام بدن
برسد و در غسل ارتماسی بیرون بودن تمام بدن
از آب لازم نیست ولیکن احوط این است که تا زانو یا
کمر بیشتر در آب نباشد فصل پنجم غسل برای
هفت چیز واجب است طواف و نماز و قرائت سورهای
سجده و روزه واجب و مس کتابت قرآن و اسم خدای
تعالی و اسما انبیا و ائمه و حضرت زهرا علیهم السلام
و گذشتن در مسجد پیغمبر ص و مسجد الحرام و درنگ
کردن در سایر مساجد فصل ششم غسل بجهت چند
چیز مستحب است روز جمعه و نسیا خوب کسی مهما امکن
غسل جمعه را ترک نکند بلکه احوط است و شب و روز عید
رمضان و شبهای طاق ماه رمضان و عید قربان و نیمه

رجب

احوط بیرون بودن تمام بدن است از آب (ع) ... الکل

علی الاحوط ع

رجب و شعبان و مولود حضرت رسالت و مبعث و مباهله
و دحو الارض و غدیر و عرفه و غیر آن که در مقام خود
مذکور است مقام هفتم در غسل حیض و استحاضه
و نفاس و در آن چند فصل است فصل اول در حیض و
آن غالبا سیاه و گرم و سوزنده و جهنده است و خونیکه
دیده شود پیش از نه سالگی و بعد از پنجاه سالگی در غیر
قرشیه و بعد از شصت سالگی در قرشیه حیض نیست
و حیض کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز نمیشود و
پاکی از حیض یعنی فاصله میان حیض و حیض دیگر نیز کمتر
از ده روز نمیشود و حاصل میشود عادت زن بدیدن
بودن ایام خون در دو ماه بحسب وقت و عدد یا وقت
پس در ماه سوم ترک میکند عبادت را بمجرد دیدن

خون اگرچه خون زرد باشد بخلاف غیر ذات العاده
که تا سه روز از دیدن خون نگذرد ترک عبادت
نمیکند و بنا را نمیگذارد بر حیض بودن تا وقتی که
سه روز بگذرد مگر اینکه خون متصف بصفات خون
حیض باشد فصل دویم در استحاضه غالبا زرد
و سرد و رقیق است و با سستی بیرون می آید و حدی از
برای کم و زیاد آن نیست و فاصله پاکی ده روز
بین استحاضه و استحاضه دیگر شرط نیست و آن بر
سه قسم است قلیله و متوسطه و کثیره پس هرگاه [illegible]
خون و لو یک قطره و کمتر باشد قلیله است و اگر پنبه
را خون فرو گیرد متوسطه و اگر جاری شد کثیره است
و در هر سه صورت لازم است که برای هر نمازی وضو

یعنی خون در پنبه فرو رفت

در غسل استحاضه و نفاس است

بگیرد و پنبه را عوض کند تا لشوید و در قسم دوم یک غسل
بجهة نماز صبح پیش از وضو یا بعد از وضو بر او لازم است
و در صورت سوم سه غسل یکی بجهة نماز صبح و یکی
بجهة نماز ظهر و عصر و یکی بجهة مغرب و عشا فصل سوم
در نفاس است و آن خون ولادتست که با مولود بیرون
آید اگر چه سقط و علقه و مضغه باشد یا بعد از ولادت
از دم تا مجید تا ده روز و اقل آن یک لحظه و اکثر آن ده روز است از
اول دیدن خون اگر چه روز دهم ولادت باشد پس
اگر از ده روز گذشت استحاضه است تا اقل طهر و حیض
نشده و بعد از آن حیض و ذات العاده در حیض ایام
عادتش را نفاس قرار میدهد اگر خون از ده روز
تجاوز کند و اگر بعد از ده روز قطع شد تمام ده روز

احتیاط مجمع بین تروک نفساء و اعمال مستحاضه ترک نشود

نفاس

در غسل میت است

نفاس و مثل حیض است در احکام مگر در هشتم در غسل
میت و تمام احکام آن باید مریض را در حال احتضار
بسوی قبله بخوابانند که اگر بنشیند رو بقبله باشد و
مستحب است که شهادتین و اقرار بائمه و کلمات فرج
را تلقین نمایند و اگر شب است چراغ نزد او بگذارند
و قرآن بخوانند خصوص سوره یس و صافات و واجب
است وارث غسل بدهند بعد از آنکه ازاله نجاسات از
بدن او کرده باشند اول باب سدر دوم باب کافور
سوم باب خالص و در کافور و سدر مسمی کافیست و
معتبر است مماثلت غاسل با میت پس زن زن و مرد
مرد را غسل دهد مگر طفلی که کمتر از سه سال داشته
باشد و زن و شوهر و شوهر زن را غسل میدهد

واجب غسل دادن میت بغسل ترتیبی

و معتبر است اسلام بودن غاسل مگر در صورت فقدان مماثل و محارم از مسلمین

و با

در بیان غسل میت است

۳۲ وبا نبودن اینها محارم غسل بدهند و اولی بمیراث اوست
پس اگر خود مباشر نشود اذن او در غسل و سایر احکام
معتبر است و با امتناع از اذن و مباشرت اعتبار اذن
ساقط است و بعد از غسل لازم است قدری کافور
بهفت موضعی که در حال سجده بر زمین میگذارند بمالند
مگر اینکه در حال الاحرام پیش از آنکه طیب بر او حلال شود
مرده باشد فصل دوم در تکفین واجب است در آن
سه قطعه لنگ و پیراهن و لفافه و در حال الضرورت
هر چه میسر است کافی است و اگر امر دایر شد میان لفافه
و غیر آن لفافه مقدم است و جایز نیست تکفین در
مغصوب و نجس و حریر محض و پوست و در اجزاء حیوان
غیر ماکول بنا بر احوط فصل سوم هرگاه میت بالغ

او

در نماز و دفن میت است

او بعد از غسل نجس شد ازاله نجاست لازم است و اعاده
غسل لازم نیست و اگر بعد از وضع در قبر کفن نجس شد
اگر ممکن باشد بشویند و الا همان موضع را مقراض
نمایند و کفن زن بر شوهر است اگر متمکن باشد و الا
بر مال خود زن است و کفن مملوک بر مولی است و کفن
و سایر مصارف تجهیز بنحو اقتصاد و سایر مکروهات از اصل مال
میت مقدم بر وصیت و دین و میراث است فصل
چهارم در نماز و دفن میت واجب است بر میت پنج تکبیر
بگویند بعد از تکبیر اول شهادتین و بعد از دوم
صلوات و بعد از سوم دعا مؤمنین و بعد از چهارم
دعا بر میت به هر عبارت که باشد و مستحب است که بنحو یکه
در اخبار وارد شده و در کتب مفصله مذکور است بخوانند

و میت

۳۳
و اگر بدن میت نجس بود
در اثناء غسل
در اثناء غسل باید
ازاله و احوط اعاده
غسل است ع

و فرق نیست در زن
اینکه کبیره باشد یا صغیره
مجنونه یا عاقله حره یا امه
مدخوله یا غیر مدخوله
دائمه یا منقطعه
مطیعه یا ناشزه
و مطلقه رجعیه هم در حکم
زن است و در چنین
در شوهر فرق نیست
بین اینکه صغیر باشد
یا کبیر عاقل باشد یا
مجنون ع

ومیت را در قبر بپهلوی راست بخوابانند رو بقبله واو را
در خاک پنهان کنند بقدری که از جانوران ایمن باشد و بوی ش
بیرون نیاید وفصل پنجم مس میت بعد از یکه صدق مس کند
اگرچه بلغو باشد که حیات در انها حلول نکرده باشد مثل ناخن
بعد از سرد شدن وپیش از غسل موجب غسل است ومس
شهید وکسیکه پیش از کشته شدن ورا غسل میت داده اند
موجب غسل نیست وحکم قطعه از زنده یا مرده حکم میت است
اگر استخوان داشته باشد والا موجب غسل نیست مطلقا
تتمه در تیمم وموجبات واحکام ان هرکس وضو یا غسل
بیکی از اسباب ان براو لازم شود وعاجز از استعمال
ان شود چه بنداشتن اب بعد از طلب ان در زمین سست
بقدر دو تیر پرتاب ودر زمین سخت بقدر یک تیر و

مس موی میت و همچنین مس موی بدن میت موجب غسل نیست

چه بنبودن وچه بضرر داشتن وچه بحاجت داشتن
بان بجهت حفظ نفس محترم واجب است که بجای ان تیمم کند بخاک
خالص ورمل وریگ وسنگ اگر ممکن شود والا بغبار
واگر نه بگل وکیفیت ان بنحو احتیاط چه در وضو وچه در غسل
این است که هر دو کف دست را یکدفعه بر زمین زند
وپیشانی وابروها را از طرف بالای بینی به هر دو مسح کند
بعد تمام ظاهر کف دست راست را بباطن دست چپ بعد
تمام ظاهر کف چپ را بباطن دست راست مسح کند وبعد
دیگر بار دو دست بر خاک زند وهمین کیفیت دستها را
مسح کند وموالات تیمم پی در پی بجای اوردن است
عرفا ودر وجوب نیت وترتیب ومباشرت وطهارت
واباحه خاک ومحل ورفع مانع وغیر ان حکم وضو است

اگرچه بدل غسل باشد موالات بنحو مذکور ...

کتاب الصلوة

کتاب الصلوة و در آن چند مقام است مقام اول در اعداد
نمازهای واجب و نوافل یومیه و وقتهای آنها و جمله‌ای از احکام آن
و در آن دو فصل است فصل اول در عدد آنها بدانکه نماز
واجب پنج است اول نماز یومیه شبانروزی دوم صلوة آیات
سیم نماز طواف چهارم نمازیکه نذر و شبه آن بر خود
واجب کرده باشد پنجم نماز میت اما نماز شبانروزی
پس واجب از آن هفده رکعت است دو رکعت صبح چهار رکعت
ظهر چهار رکعت عصر سه رکعت مغرب چهار رکعت عشا
و ظهر و عصر و عشا از برای مسافر و خائف دو رکعت است
و اما نماز مستحب پس بسیار است اما آنچه اهتمام بآن در شرع زیاد
است حتی اینکه اگر نکرد قضا کند نوافل یومیه است و عدد
آنها سی و چهار رکعت است هشت رکعت پیش از ظهر و هشت

پیش

پیش از عصر و چهار رکعت بعد از مغرب و دو رکعت نشسته
بعد از عشا که بمنزله یک رکعت است و آنرا وتیره میگویند
و دو رکعت نافله صبح و یازده رکعت نافله شب که
نهم و دهم آن شفع و یازدهم وتر است و این سه رکعت (از هشت رکعت)
دیگر افضل است و نافله صبح از اینها افضل است و از
مسافر و خائف نوافل نمازهای چهار رکعتی ساقط است
فصل دوم در اوقات نمازهای واجب و مستحب شبانه
روزی و در آن مسائل چند است اول داخل میشود
وقت ظهر بزوال شمس و چون مقدار چهار رکعت از زوال
گذشت ظهر و عصر شریک میشوند در وقت تا چهار رکعت بمغرب
مانده پس مختص بعصر است تا اول مغرب که رفتن سرخی
(آن چهار رکعت بعصر ...)
از طرف مشرق است و احوط تاخیر نینداختن نماز ظهر

و عصر

وعصر است از فرو رفتن قرص آفتاب بعد قدم شناخته میشود ۳۸
زوال باینکه سایه هر چیزی که بر روی زمین منصوب شد بر آن
شود بعد از کم شدن باید پیدا شود بعد از نبودن سیم
چون مقدار اداء نماز مغرب از زوال آن گذشت مغرب
و عشا شریک باشند در وقت تا چهار رکعت بنصف شب مانده
پس مخصوص عشا است اما اگر تاخیر نماید پیش از طلوع فجر
بجای آورد لکن نیت اداء و قضا نکند چهارم فجر صادق
که طلوع کرد وقت نماز صبح است تا وقت طلوع آفتاب
فجر صادق روشنی است که پهن میشود در کنار افق مثل
جامه سفید و هر چه نگاه با و میکنند روشنیش زیاد تر
میشود بخلاف فجر کاذب که دراز میشود بسمت آسمان
مثل دم گرگ و هر چه نگاه با و کنند روشنی کم میشود

مقام دوم در قبله و در آن مسائل چند است اول ۳۹
قبله عین خانه کعبه است برای دور و نزدیک ولیکن از
برای دور سمت کعبه کافی است چنانچه بگویند رو بکعبه
ایستاده واز آثار مساجد و قبور مسلمانان و ستاره
جدی در بلاد عراق و بعض ستاره ها دیگر در جاهای
دیگر تشخیص میتوان داد دوم کسیکه قبله را نمیشناسد
و راهی بتشخیص آن ندارد بچهار سمت نماز بخواند و اگر
میداند که از دو سمت یا سه سمت یا یک سمت بیرون
نیست بهمان سمت بایستد سیم فرق نیست در معتبر
بودن قبله بین نماز واجب و مستحب در حال استقرار
هر چند در کشتی باشد بلی نماز مستحب را در حال سواره
و راه رفتن بغیر قبله میتوان خواند و در حال ضرورت نماز

در قبله

[illegible]

واجب است بر اهل مشهور خوانند ولی استقبال قبله هر قدر
ممکن شود لازم و اگر نشد ساقط است مقام سوم
در لباس نمازگذار بود و از آن مسائل چند است اول واجب
است در حال اختیار پوشانیدن بشره عورت اگر چه ناظر
محرم نباشد در نماز واجب و مستحب و اگر در بین نماز مکشوف
شد یا از اول مکشوف بود و مصلی ملتفت نبود و بعد
از التفات پوشانید کافیست دوم عورت مرد که باید در
حال نماز و غیر آن بپوشاند قضیب و خصیتین و دبر است
لیکن مستحب است که از ناف تا زانو را بپوشد و عورت
زن تمام بدن اوست حتی سر و موها مگر صورت و دستها
و قدم که پوشانیدنش لازم نیست و بر کنیز پوشانیدن
سرهم لازم نیست سیم لباس باید مباح و پاک باشد از

هر نجاستی مگر خونیکه کمتر از گودی کف دست باشد
خون حیض و نفاس و استحاضه و نجس العین نباشد و
باید از ابریشم و پوست حیوان حرام گوشت نباشد و در
لباس مرد شرط است که طلاباف و حریر خالص نباشد
چهارم مکان نمازگذار باید مستقر باشد و غصبی
نباشد و اگر نداند یا فراموش کرده نماز
صحیح است و جاهل مقصر بکه نداند که غصب حرام است
در حکم عامد است و موضع پیشانی در حال سجود
باید از هر نجاستی پاک باشد و باید تا ممکن است بر زمین
یا گیاه یا کاغذ سجده کند پس چیزهای دیگر مثل خوردنیها
و پوشیدنیها و معدنیها مثل یاقوت و فیروزه و
امثال آن از چیزهائیکه زمین نامیده نمیشود سجده

و از حیوان غیر مأکول ماسوای انسان نباشد

۴۲ جایز نیست و بهتر این است که بر تربت حضرت سید الشهداء
علیه السلام سجده کند مقام پنجم در اذان و اقامه بدانکه
اذان و اقامه هر دو مستحب‌اند در نماز یومیه چه ادا و چه
قضا از برای منفرد و جماعت چه مرد و چه زن و در جماعت
و نمازهای جهریه بخصوص صبح و مغرب مستحب مؤکد است
و در بعضی نمازها واجب بجا اذان و اقامه شد مرسبه المصلوة
گفتن مستحب است و معتبر نیست در اذان و اقامه عدل و اسلام
بلکه ایمان و بلوغ در اقامه شرط است نه در اذان پس
اذان طفل ممیز صحیح است دون اقامه او و اذان زنان
برای خودشان خوب است مقام ششم در افعال نماز
و آن بر دو قسم است واجب و سنت و واجبات آن یازده
است نیت تکبیرة الاحرام قیام قرائت رکوع سجود ذکر

۴۳ تشهد سلام و ترتیب و موالات و هر یک مشتمل بر واجبات
و مستحبات است که تفصیل هر یک مذکور میشود پس در
این مقام یازده فصل است فصل اول در نیت بدانکه واجب
است در نیت نماز و آن بجا آوردن نماز است بداعی تقرب
بخداوند عالم در اول تکبیرة الاحرام و باقی بودن بر همین
قصد تا آخر نماز و قصد وجوب و استحباب لازم نیست
لیکن قصد چیزهائیکه بان نماز از نماز دیگر امتیاز داده
میشود لازم است و واجب نیست که بخاطر بگذراند که نماز
میکنم قربة الی الله بلکه همین قدر که نماز را بهمین قصد
بجا آورد کافی است مسئله اگر قصد نماز کرد پس ملتفت
شد که نماز پیش را نکرده مثل اینکه پیش از بجا آوردن
ظهر قصد عصر کرده عدول میکند بظهر و همان نماز

بر قصد ظهر تمام میکند و اگر قصد ظهر کرد پس ملتفت
شد که نماز ظهر را کرده نمیتواند قصد عصر کند بلکه باطل
است مسئله اگر نیت نماز ظهر برخواست و برزبانش
عصر جاری شد یا بخاطرش خطور کرد بی آنکه قصد کند
بقصد دیگر مبدل شود ضرر ندارد و همان نیت که
برخواسته نماز را تمام میکند فصل دوم تکبیرة الاحرام
رکن است پس ترک کردن و کم کردن آن نماز باطل میشود
اگرچه سهوا باشد و باین جهت است که اگر دو دفعه بقصد
تکبیرة الاحرام تکبیر گفت و نماز باطل شد باید دفعه سوم
بگوید تا صحیح شود و همچنین فصل سوم قیام رکن است
در تکبیرة الاحرام و در رکوع باین معنی که باید از قیام برکوع
رود و در قرائت واجب غیر رکنی است پس ترک آن عمدا

مبطل و سهوا مبطل نیست و واجب است اگر میتواند
خود بایستد پس اگر تکیه کرد بر کسی یا چیزی نماز باطل است
بلی اگر نتوانست باید تکیه کند اگرچه باجبر کردن کسی بالاجره
و اجاره کردن عصایی باشد و اگر عاجز است از قیام
چه از برای نبودن چیزی که بر او تکیه کند و چه بواسطه شدت مرض
نشسته نماز کند و اگر نتوانست بدست راست بخوابد
اگر نتوانست بدست چپ و اگر نتوانست بر پشت بخوابد
و از برای رکوع و سجود بسر اشاره کند اگر میتواند و اگر نه
بچشم و اشاره از برای سجود زیاد تر کند فصل چهارم
واجب است در رکعت اول و دوم نماز خواندن سوره
حمد و یک سوره تمام غیر از حمد بعد از آن و در این
مسئله است اول در صورت مرض و تعجیل میتوانند

٤٦ بحمد تنها اکتفا کند دوم واجبست که حمد را بر سوره
مقدم دارد پس اگر عمداً موخر داشت نماز باطل و اگر سهواً
کرد و قبل از رکوع متذکر شد سوره دیگر بعد از حمد
بخواند سیم جایز نیست خواندن سورهای بزرگ که اسباب
فوت وقت میشود پس اگر عمداً خواند نماز باطل و اگر سهواً
شروع کرد و ملتفت شد قطع کند و سوره دیگر بخواند
و همچنین جایز نیست خواندن سورهای سجده و حکم عمد و
سهو آن مثل سابق است چهارم واجبست بر مرد بلند
خواندن حمد و سوره در نماز صبح و مغرب و عشا و
آهسته خواندن در ظهر و عصر مگر بسم الله آن که مستحب
است بلند بخواند و اگر از روی نادانی و فراموشی در
موضعی که باید بلند بخواند آهسته خواند یا بعکس

٤٧ ندارد و واجبست آهسته خواندن حمد و سوره حتی
بسم الله آن بر ماموم بلکه تکلیفش خواندن قرائت باشد
مثل اینکه در رکعت دوم امام اقتدا کرده باشد و
سوم امام که دوم اوست باید قرائت بخواند و اما زنان
پس مخیرند در مواضع جهریه بلند خواندن و آهسته
خواندن اگر نامحرمی صدا ایشانرا نشنود و الا آهسته
بخوانند پنجم واجبست بر کسیکه قرائت را نداند یا غلط
بخواند تعلیم گرفتن آن و کفایت میکند ادای حروف بطوری
از یکدیگر ممتاز باشند و محافظت بر وقف و اعراب در
مواضع آن و چیزهای دیگر که اهل تجوید ذکر نموده اند
لازم نیست ششم مخیر است مکلف در رکعت سوم و
چهارم از نماز سه رکعتی و چهار رکعتی بین قرائت حمد

تنها خواندن و تسبیحات اربعه که سبحان الله والحمد لله
و لا اله الا الله و الله اکبر باشد و احتیاطا سه مرتبه
بخواند فصل پنجم واجب است در هر رکعتی یک رکوع و آن
رکن است پس یکی و زیادتی آن نماز باطل میشود خواه
عمدا باشد و خواه سهوا مگر در جماعت که اگر پیش از امام
سهوا سر را از رکوع بر داشت واجبست متابعت امام
کند و برکوع رود و در اینجا چند مسئله است اول
باید بقدری خم شود که دستهایش بزانویش رسد اگر بخواهد
برساند و اگر نتواند خم شود باین قدر هر قدر میتواند کافی
است و اگر هیچ نتواند خم شود بنشیند و اگر قادر بر نشستن
هم نیست رکوع را ایستاده باشاره ادا کند و باید
بقصد رکوع خم شود پس اگر بقصد دیگر خم شد همینکه

بحد رکوع رسید بقصد رکوع کرد کافی نیست
واجب است در رکوع سه مرتبه سبحان الله یا یک
مرتبه سبحان ربی العظیم و بحمده بگوید و استقرار و طمانینه
در حال رکوع و ذکر لازم است اگر نتواند والا ساقط است
فصل ششم واجب است در هر رکعتی دو سجده و هر دو
با هم رکنند پس اگر هر دو را ترک کند یا زیاد چه عمدا
و چه سهوا نماز باطل است و در این چند مسئله است
اول باید دو کف دست و دو زانو و دو انگشت شصت
پا را بر زمین گذارد و طمانینه و استقرار داشته باشد
و سه مرتبه سبحان الله یا یکمرتبه سبحان ربی الاعلی
و بحمده بگوید و باید در حال تمام ذکر این هفت موضع
در محل خودش باشد بلی غیر از پیشانی سایر مواضع را

۵۰ پیش از گفتن ذکر میشوند بردارد و بگذارد دوم باید موضع
پیشانی و محل ایستادنش مساوی یکدیگر باشد و بلند
و کوتاه نباشد مگر بقدر کلفتی یک خشت که ضرر
ندارد و باید سر از سجده اول بلند کند و بنشیند و
از نشستن بسجده دوم رود و سجده دوم را بهمین طریق
بجا آورد سیم کسیکه قدرت بر خم شدن ندارد برای سجده
ندارد موضع سجده را بلند کند و پیشانی را بران نهد
و اگر هیچ قادر بر خم شدن نیست بسر اشاره کند
و اگر نمیتواند بچشم فصل هفتم در تشهد و کیفیت آن
این است که بگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک
له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله اللهم صل علی محمد
و آل محمد فصل هشتم سلام جزء نماز است و محل آن بعد

۵۱ تشهد رکعت آخر است و کیفیت آن این است که بگوید السلام
علیک ایها النبی و رحمة الله و برکاته السلام علینا و
علی عباد الله الصالحین السلام علیکم و رحمة الله و
برکاته و لیکن سلام اول مستحب است و از اجزاء تشهد است
و یکی از دو سلام آخر واجب است و هر کدام را که بگوید
کافیست و از نماز بیرون میرود فصل نهم واجب است ترتیب
در افعال نماز بنحویکه دانستی پس اگر عمدا ترک ترتیب نماید
نماز باطل است و اگر سهوا چنین کرد پس اگر رکنی را بر
رکن دیگر مقدم داشت نماز باطل است و اگر رکن بر غیر
رکن مقدم داشت مثل اینکه پیش از قرائت رکوع کرد ضرر
ندارد و اگر غیر ارکان را بر یکدیگر مقدم داشت هم ضرر
ندارد و لیکن بعد از ملتفت شدن باید برگردد و آنچه را که

بی ترتیب کرده بترتیب بجا بیاورد اگر داخل رکن نشده فصل
دهم موالات در افعال و اقوال نماز واجب است و معنی
موالات این است که افعال پی در پی باشند پس اگر فاصله
باشد میان فعلی و فعل دیگر یا قولی و قول دیگر موالات
حاصل نخواهد بود مقام ششم چیزهائیکه نماز را
باطل میکند غیر از آنچه در ضمن مسائل سابقه گذشت
و آن یازده چیز است اول حدث اصغر و اکبر که در هر جای
نماز واقع شود باطل است اگرچه در حرف آخر سلام باشد
چه عمدا و چه سهوا و چه قهرا در غیر مسلوس و مبطون
و مستحاضه دوم دست بر دست نهادن در حال قیام
چنانچه اهل سنت میکنند سوم پشت بقبله کردن چه
عمدا و چه سهوا و چه قهرا و همچنین است اگر تمام بدن با

تمام

مبطلات نماز

تمام صورت بجانب راست و چپ برگردد که در این صورت
نیز عمدا و سهوا بلکه قهرا هم مبطل نماز است و اگر کمی
از این برگشت سهوا عیب ندارد و عمدا مبطل است
چهارم حرف زدن بغیر قرآن و دعا و ذکر اگرچه بدو
حرف مهمل باشد عمدا مبطل است و سهوا مبطل نیست
چنانکه تبسم که خنده بی صدا است پنجم قهقهه یعنی خنده
صدادار و آن مبطل است عمدا و قهرا و اگر از روی غفلت
از نماز باشد مبطل نیست چنانچه تبسم که خنده بی صدا است
عمدا نیز مبطل نیست و اگر خنده را حبس کند که صدا بیرون
نیاید ظاهرا حکم قهقهه دارد ششم گریه کردن از برای
امور دنیا عمدا بلکه قهرا نیز مبطل است و اگر از روی
غفلت از نماز باشد ضرر ندارد هفتم فعل کثیر

ماحی صورت صلوة باشد و اسم نماز را از میان ببرد
اگرچه کم باشد مثل برجستن و امثال آن چه عمداً چه
سهواً مبطل نماز است و اگر اسم نماز را از میان نبرد
مبطل نیست اگرچه بسیار باشد مثل حرکت دادن انگشتها
هشتم خوردن و آشامیدن اگرچه کم باشد و
صورت نماز را بهم نزند و فرو دادن بقیه طعامی که
در دهن است باقیمانده که از بنان و امثال آن که در
دهن آب شود و فرو رود عیب ندارد نهم بعد از
حمد آمین گفتن بدون تقیه عمداً مبطل و سهواً
مبطل نیست دهم شک در عدد رکعات نماز دو
رکعتی و سه رکعتی و دو رکعت اول از نماز چهار رکعتی
و اما دو رکعت آخر پس حکمش خواهد آمد ان شاء الله

یازدهم

یازدهم عمداً از یاد کردن یا کم کردن جزئی از نماز
چنانچه گذشت مقام هفتم در صلوة آیات و در
آن چند فصل است فصل اول در چیزهائیکه سبب
آنها این نماز واجب میشود و آن چند چیز است اول
و دوم ماه گرفتن و آفتاب گرفتن چه تمام آن بگیرد
و چه بعض آن سیم زلزله چه شدید و چه ضعیف چهارم
باد تند سیاه و سرخ و زرد و تاریکی و صاعقه و امثال
آنها اگر ترسناک باشند بنحوی که غالب مردم بترسند
چه آسمانی باشد و چه زمینی مثل اینکه زمینی یا شهری
بزمین فرو رود و وقت نماز کسوف و خسوف از وقتیکه
میگیرد تا وقتی که شروع در انجلا کند ادا است و از
وقتیکه تمام منجلی شد نیت ادا و قضا نکند بلکه نیت

قربت

56 فریضه مطلقه بجا آورد و امّا سایر آیات اگر مقدار ادای نماز
که بتوان نماز کرد طول بکشد باید فوراً نماز کرد و اداء
است اگرچه بمقدار یک رکعت باشد و اگر نه وقت معیّنی نخواهد
داشت و همه وقت میتوان کرد و کسیکه مطلع نشود بر
گرفتن آفتاب و ماه تا وقتیکه تمام منجلی شود قضا بر او
لازم نیست مگر آنکه تمام قرص گرفته باشد و نماز آیات بر
کسی لازم است که آیه در بلد او ظاهر شده باشد پس اگر
مطلع شود که در جائی دیگر ماه گرفته یا زلزله شده نماز
ندارد فصل دوم نماز آیات دو رکعت است و در هر رکعتی
پنج رکوع دارد و کیفیت است کیفیتش اوّل این آنکه نیت میکند
و تکبیرة الاحرام میگوید و حمد و یک سوره میخواند و برکوع
میرود تا پنج مرتبه بهمین ترتیب بعد سجده میکند و بعد از

[illegible]

57 سجدتین بر میخیزد و رکعت دوم را نیز بکیفیت رکعت اوّل
بجا می آورد و بسجده میرود و بعد از سجدتین تشهد و سلام
میگوید کیفیت دوم اینست که بعد از نیت و تکبیرة
الاحرام حمد بخواند و یک آیه از یک سوره بخواند و برکوع
رود و بعد از رکوع آیه دیگر از همان سوره بخواند و
برکوع رود و سر بردارد و آیه دیگر از آن سوره بخواند
و برکوع رود تا پنج مرتبه تمام شود پس دو سجده بجای
می آورد و رکعت دوم را نیز چنین بجای می آورد و باید
بیک حمد و یک سوره تمام پیش از این پنج رکوع خوانده شود
و سوره قل هو الله احد که پنج آیه است با بسم الله آن با این
کیفیت خواهد شد و حکم این نماز در طهارت از حدث
و خبث و سایر شرایط حکم نماز یومیه است مقام هشتم

۵۸ در شکیات نماز و در آن چند مسئله است مسئله کسیکه
شک کند در اینکه نماز کرده یا نه پس اگر بعد از گذشتن
وقت نماز است اعتنا نکند و اگر در وقت است نماز کند مسئله
اگر بعد از نماز شک کرد اعتنا نکند چه شک در رکن باشد
چه در غیر رکن مسئله کسیکه بسیار شک میکند باید
اعتنا نکند چه شکش در عدد رکعات باشد چه در
افعال چه در اقوال و بنا بر آوردن مشکوک بگذارد اگر
موجب فساد نماز نیست و الا بنا بر نیاوردن بگذارد مسئله
کسیکه شک کند در کاری از کارهای نماز و هنوز از
محل آن کار نگذشته یعنی مشغول کار دیگر نشده باید بجا
بیاورد و اگر گذشته اعتنا نکند مسئله کسیکه شک کند
در رکعات نماز باید قدری فکر کند اگر بخاطرش آمد که چه

رکعتی است عمل کند و اگر بر شک باقی ماند پس اگر شک در ۵۹
نماز دو رکعتی است یا سه رکعتی یا دو رکعت اول از
نماز چهار رکعتی است نمازش باطل است و اگر در دو
رکعت آخر نماز چهار رکعتی است در نه صورت نماز باطل
نیست و علاج دارد و در غیر اینها باطل است اول از نه صورت
صحیح شک بین دو و سه بعد از سر برداشتن از سجده
دوم که بنا را بر سه میگذارد و رکعت چهارم را بجا
میآورد و نماز را تمام میکند و بعد از نماز یک رکعت
ایستاده یا دو رکعت نشسته میکند دوم شک میان
سه و چهار در هر جا که باشد بنا را بر چهار میگذارد
و نماز را تمام میکند و یک رکعت نماز احتیاط ایستاده
یا دو رکعت نشسته بجا میآورد سوم شک میان دو

وچهار بعد از سر برداشتن از سجده دوم بنا را بر چهار می
گذارد و نماز را تمام میکند و دو رکعت ایستاده بجا می
آورد چهارم شک میان دو و سه و چهار بعد از سر بر
داشتن از سجده دوم بنا را بر چهار میگذارد و نماز را تمام
میکند و بعد از نماز دو رکعت ایستاده و دو رکعت نشسته
میکند پنجم شک میان چهار و پنج بعد از سر برداشتن از سجده
دوم بنا را بر چهار میگذارد و نماز را تمام میکند بعد دو
سجده سهو میکند ششم شک میان چهار و پنج در حال
قیام که قیام را بهم میزند و شکش بر میگردد به شک سه
و چهار و حکم آن گذشت هفتم شک میان سه و پنج در حال
قیام قیام را بهم میزند و شکش بر میگردد به شک دو و
چهار و عمل او را بجا میآورد هشتم شک میان سه و چهار

و پنج در حال قیام قیام را بهم میزند و شکش بر میگردد
به شک دو و سه و چهار و عملش را بجا میآورد نهم شک
میان پنج و شش در حال قیام قیام را بهم میزند و شکش
به شک چهار و پنج بر میگردد و عمل آنرا بجا میآورد و دو
سجده سهو میکند مسئله رکعات احتیاط مثل سایر
نمازها است در وجوب نیت و تکبیرة الاحرام و رکوع
و سجود و تشهد و سلام و شرایط و احکام و لیکن حمد
تنها بخوانند و آهسته بخوانند حتی بسمله آن را علی الاحوط
و قنوت ندارد و باید متصل بنماز باشد قبل از آنکه
چیزیکه منافی نماز است بجا آورد مسئله اجزائیکه از
نماز فراموش کرده قضا ندارد مگر یک سجده و تشهد
و اجزاء تشهد را که قضای اینها بعد از نماز بدون فاصله

لازم است حتی قبل از رکعات احتیاط مسئله سجده سهو
در شش جا واجب است اول کلام بیجا دوم سلام بیجا سوم
شک بین چهار و پنج چهارم سجده فراموش شده پنجم تشهد
فراموش شده ششم قیام بیجا بلکه نشستن بیجا بلکه هر
زیاد و کمی که در نماز سهواً واقع شده و در محل تدارک آنرا
نکرده علی الاحوط کیفیت آن اینست که نیت کند و برود و
بگوید بسم الله و بالله و صلی الله علی محمد و آل محمد پس
بر دارد و دو باره بسجده رود و ذکر را بگوید و بعد از
سر بر داشتن تشهد متعارف برپا دارد اشهد ان محمداً
رسول الله پیش از صلوات و مجموع را بقصد قربت مطلقه
بخواند و اکتفا کند به السلام علیکم و رحمة الله و برکاته
مقام نهم در نماز جماعت و در آن چند فصل است

در نماز جماعت

فصل اول جماعت از مستحبات موکده است در تمام نمازهای
واجب خصوص نمازهای یومیه خصوص ادا است از آن خصوص نماز
صبح و مغرب و عشا خصوص برکسیکه همسایه مسجد است
و فضیلت نماز جماعت بسیار است بجهتیکه اگر عدد جماعت
کنندگان بده نفر برسد اگر تمام دریاها مرکب و تمام
درختها قلم و تمام جن و انس و ملائکه نویسنده باشند
قادر نیستند که ثواب یکرکعت آنرا بنویسند و در مسجد
الحرام و مسجد مدینه و مسجد کوفه و مشاهد مشرفه و
مسجد جامع فضیلتش بیشتر است و شرط است در امام
جماعت اینکه عادل باشد یعنی معصیت کبیره و اصرار
بر صغیره نکند و طریق فهمیدن عدالت آنست که مردمیکه
با او معاشرت دارند بغیر از خوبی از او نگویند یا دو عادل

٦٣ شهادت بعدالت او بدهند وضمار دوم و در آن حمد
مسئله است اول باید در نماز جماعت نیت اقتداء
بشخص معینی کرد پس دو نفر در یکجا نماز جماعت میخوانند
هر دو را عادل میدانند ولیکن نمیدانند نماز کننده کدام
است اقتدا صحیح نیست مگر آنکه نیت اقتداء با امام حاضر
کند و در تعیین امام بعد از آنکه عدالتش را دانست همین
قدر کافیست که قصد کند اقتدا با این شخص و دانستن اسم
و رسم و خصوصیات دیگرش لازم نیست دوم خواندن
حمد و سوره در دو رکعت اول امام از ماموم ساقط است
چه نماز جهریه چه اخفاتیه سوم باید ماموم متابعت کند
امام را در افعال ولکن اگر پیش یا عقب بیفتد اگر عمدا
باشد حرام است ولکن اقتدا بهم نمیخورد و احوط اعاده

است

٦٤ است چهارم اگر در رکعت دوم مثلا با امام اقتدا کرد
باید در رکعت سوم امام که رکعت دوم اوست حمد و سوره را
آهسته بخواند و اگر امام برکوع رفت و هنوز سوره
را نخوانده ترک سوره کند و با امام برکوع رود و لیکن
اگر حمد را نخوانده نیت انفراد کند و تا امام سر از رکوع
برنداشته میتواند اقتدا کند و بعد از آن در این رکعت
نمیتوان اقتدا کرد پنجم مرد بزن و ایستاده بر نشسته و
نخوابیده نمیتواند اقتدا کند ولکن عکس جایز است بلکه افضل
ششم باید میان ماموم و امام یا ماموم که بین او و امام
فاصله اند چیزیکه مانع رؤیت هست مثل بودن دیوار
یا پرده و امثال آن حایل نباشد و در اینجا چند مسئله
است اول آنکه اگر مانع از مشاهده هم باشد ضرر

ندارد

ندارد و حایل کوتاه که مانع از مشاهده است در حال سجده
ضرر ندارد و هم این شرط معتبر است در جماعت مردها
با مردان و زنان با زنان اگر ماموم زن باشد و امام مرد
و بین او و امام حایل مذکور بوده باشد و لکن مانع اطلاع
بر افعال امام نباشد ضرر ندارد سیم معتبر است که بین امام
و ماموم دوری زیاده از متعارف نباشد بلکه زیاده از
یک گام متعارف از موضع ایستادن امام و سر ماموم
در حال سجده فاصله نباشد اگر چه در بین نماز حادث
شود بلی اگر ماموین مهیا شده باشند از برای اقتداء
بنحویکه مشرف بر گفتن تکبیرة الاحرام باشند اقتدا کردن
ماموین عقب ندارد اگر چه خلاف احتیاط است چهارم
باید مکان امام بلندتر از مکان ماموم نباشد بلی اگر زمین

و تدریجی سراشیب باشد عیب ندارد و اما مکان ماموم اگر ۶۶
زیاد بلند باشد عیب ندارد مادامیکه ربط بین امام
و ماموم از میان نرود پنجم باید ماموم مقدم بر امام نباشد بلکه
مساوی با او هم نباشد بلکه در همه حالات امام مقدم باشد
مقام دهم در نماز مسافر بدانکه بر مسافر لازم است که
نماز را قصر کند و روزه را افطار کند به هشت شرط اول
اینکه بقدر مسافت باشد و مسافت هشت فرسخ است و هر
فرسخ سه میل است و هر میلی چهار هزار ذراع دست انسان
معتدل است و باید مسافت معین باشد بعلم یا دو شاهد
عادل یا شیاعی که موجب اطمینان باشد پس اگر شک داشته
باید نماز را تمام کند و روزه بگیرد و اول جائیکه باید
مسافت را از آنجا حساب کند سور و باره بلد است اگر سور

در نماز مسافر

داشته باشد و اگر نیز الحوخانها در بلاد متعارف و مسئله
مسافت مذکور در رفتن تنها یا برگشتن تنها باشد شبهه
نیست و اگر رفتن و برگشتن هر دو بقدر مسافت باشد
چند صورت دارد یکی آنکه رفتن چهار فرسخ باشد و برگشتن
هم چهار فرسخ دوم آنکه رفتن بیشتر از چهار فرسخ باشد
و برگشتن کمتر سیوم عکس این صورت در اخیر قصر مطلقا نیست
و در دو صورت دیگر اگر خیال دارد که در همان روز
و شب برگردد قصر لازم است و الا اگر ده روز بماند
احوط جمع است شرط دوم آنکه مسافر قصد مسافت داشته
باشد پس هرگاه مقدار مسافت را بی قصد برود مثل آنکه
عقب دزد یا گریخته و مانند آن برود و نداند که بقدر
مسافت خواهد رفت یا نه و اگر تا این جو برود از مسافت محسوب

مله واقوی کفایت قصر است ع

نیست و باعث قصر نمیشود هرچند زیاده از هشت فرسخ باشد
و فرق نیست در قصد مسافت میان آنکه بالاصاله قصد
داشته باشد یا بتبع غیر مثل غلام و کنیز و زن و مانند
اینها حکم اینها حکم مولی و شوهر است پس اگر مولی و شوهر
قصد مسافت دارند حکم کنیز و زن قصر است شرط
سیوم آنکه قصد مسافت را مستمر بدارد تا وقتی که
باخر برسد پس اگر پیش از آنکه چهار فرسخ برود متردد شد
یا قصد برگشتن کرد نمازها را تمام کند و روزه را اگر افطار
نکرده افطار نکند و نمازیکه پیش از تردد کرده صحیح است
اعاده و قضا ندارد شرط چهارم آنکه مسافت را قطع نکند
بقصد ماندن ده روز یا ماندن تا سی روز بی قصد
۴ یا عبور بوطن که اگر یکی از این سه حاصل شد سفر منقطع می

مله [illegible] ولو اجازه داده باشند ع

شود پس اگر قصد هشت فرسخ مثلا کرد ولیکن بنا دارد
که در بین راه ده روز بماند یا بوطن خود مرور کند چنین
هشت فرسخی مسافت شرعی نیست و موجب قصر نمیشود
و همچنین است اگر از اول مردد است که در اثناء راه ده روز
بماند یا نه یا بوطن مرور کند یا نه و حکم مردد در نیت
اقامه یا مرور بوطن که در اثناء راه بهم رسد مثل مردد
در قطع مسافت است که در شرط سوم گذشت شرط پنجم
آنکه سفر مباح باشد پس اگر سفر معصیت باشد نماز را
باید تمام بخوانند و روزه بگیرد چه خود سفر معصیت باشد
مثل گریختن غلام و کنیز و امثال آن و چه بجهت معصیت
باشد مثل سفر کردن از برای دزدی و راه زنی و از برای
ظلم بر کسی و امثال آن شرط ششم آنکه سفر را عمل خود قرار

ندهد مثل مکاری و ملاح و قاصد و امثال اینها که باید
نماز را تمام بخوانند در سفر و روزه بگیرند تنبیه شرط اینکه
آنکه مسافر را که عمل خود قرار داده اند بقدر مسافت شرعی باشد
و اگر کمتر باشد مثل نهر کشتی که در کمتر از مسافت تردد
میکند اگر بمسافت سفر کرد باید قصر کند دوم آنکه سه سفر
پی در پی کرده باشند که اگر سفر اولشان باشد باید قصر
کنند و در سفر دوم احتیاطا باید جمع بین قصر و اتمام
کنند و در سفر سوم تمام کنند سوم آنکه ده روز پی در
پی در وطن خود یا جای دیگر با قصد اقامه نمانند چهارم
آنکه سفر سفری باشد که آنرا عمل خود گرفته اند که اگر سفر دیگر
کنند مثل آنکه مکاری یا ملاح بقصد حج یا زیارت سفر
کند قصر کند پنجم آنکه سفر کردن شغل دائمی یا غالبی ایشان

باشد که اگر مثل جمله دارها در خصوص موضوع سفر کنند
یا مثل بعضی سیله ورها در تابستان سفر کنند و در زمستان
نکنند یا بعکس قصر کنند هفتم از شروط قصر آنکه از جائیکه
میخواهد سفر کند انقدر دور شده باشد که دیوارها
یا دیوار شهر را نبیند و اذان بلد را نشنود اگر انقدر
دور نشده نمیتواند قصر کند و در مراجعت از سفر نیز همینکه
بجائی رسید که دیوار بلد دیده میشود یا اذان شنیده
میشود نمیتواند قصر کند مسئله همینکه این هفت شرط جمع
شد باید نماز را قصر کند مگر در چهار مکان که مخیر است
میان قصر کردن و تمام کردن اول مسجد الحرام دوم مسجد پیغمبر
صلی الله علیه وآله سیم مسجد کوفه چهارم حائر حضرت
سید الشهداء علیه السلام اگر در هفتاد و پنج ذرع

از فقه مطهر — **کتاب صوم** — بخواهد

و در آن چند مقام است مقام اول در معنی روزه و
کیفیت آن بر سبیل اجمال بدانکه روزه عبارتست از
امساک کردن و نگاه داشتن خود را از ده چیز از اول
طلوع فجر صادق تا اول مغرب بقربة الی الله تعالی اول
و دوم خوردن و آشامیدن سیوم جماع کردن چهارم
دروغ بستن بر خدا و رسول و ائمه علیهم السلام و حضرت
زهرا علی الاحوط پنجم فرو بردن تمام سر در آب ششم غبار
غلیظ بحلق رسانیدن و ملحق باینست دود هفتم باقی
ماندن بر جنابت تا طلوع فجر هشتم استمنا کردن نهم
حقنه کردن بچیز روان دهم قی کردن مقام دوم
در بیان احکام آن و در آن چند فصل است فصل اول

در بیان روزه است

٧٣ بدانکه نیت شرط است در روزه و در هر عبادتی بنحویکه در
نماز گذشت و گفته شد که بخاطر گذرانیدن نیت لازم
نیست بلکه کفایت میکند داعی بر عمل محض فرمان برداری
خداوند عالم جل جلاله باشد که اگر غرض خدا نباشد
عبادت نیست و همچنین گذشت که اگر عمل متعدد بر ذمه
داشته باشد باید تعیین کند که این عملیکه میکند کدام
یک از آنهاست و اگر یک عمل بیشتر بر ذمه ندارد قصد
تعیین لازم نیست بلکه همین قدر که آن عمل را به نیت
قربت بکند کافیست تفصیل در مقام بدانکه در ماه مبارک
رمضان روزه غیر رمضان نمیتوان گرفت چه روزه
واجب و چه مستحب حتی کسیکه روزه رمضان بر او واجب
نیست مثل مسافر و امثال آن چه این حکم را بدانند و چه

٧٤ ندانند و چه فراموش کرده باشد بلی تعیین روزه رمضان
هم لازم نیست بلکه همین قدر قصد کند که فردا روزه
میگیرم قربة الی الله کفایت میکند اما در غیر رمضان
هر روزه که میگیرد باید تعیین کند که چه روزه ایست
مثلا کفاره یا قضا یا نذر یا عهد یا یمین و امثال
آن میگیرم قربة الی الله فصل سوم وقت نیت روزه واجب
اول طلوع فجر است از برای شخص ملتفت و کسیکه ملتفت
نیست یا خوابست همین قدر که جزئی از شب نیت روزه
فردا کند کافیست و اما روزه مستحب از اول شب تا آخر
روز هر وقت که نیت کرد عیب ندارد و روزیکه شک
دارد که آخر شعبان است یا اول رمضان باید به نیت آخر
شعبان روزه بگیرد و اگر بعد یا در بین معلوم شد که

چه بداند که رمضان است یا نداند یا فراموش کرده باشد

٧٥ که از رمضان روزه ضرر ندارد و باید نیت را مستمر بدارد
تا آخر روز باین معنی که قصد اینکه روزه نباشد نکند
بلکه مردد نشود که روزه باشد یا نه فصل چهارم یک
از این مفطرات را اگر عمداً بجا آورد موجب قضا و
کفاره میشود مگر قی کردن که موجب قضا تنها است
٥ وکفاره خوردن روزه یکی از سه چیز است یا یک بنده
آزاد کردن یا دو ماه روزه گرفتن که سی و یک روزش
پی در پی باشد یا شصت مسکین را طعام دادن فصل
پنجم در چند مورد قضا تنها لازم است اول کسیکه
قدرت بر تفحص از طلوع فجر داشته و تفحص نکرده یا
از روی اعتماد بقول غیر عادل بلکه دو عادل مفطری
بعمل آورد بعد معلوم شد که صبح طالع بود دوم

٧٦ کسیکه یا وخبر دهند که صبح طالع شده و اعتنا نکند
از روی آنکه او را صادق نداند یا مسخره خیال کند او
بلکه اگر دو عادل باو خبر دهند و اعتنا نکند و مفطری
بعمل آورد کفاره نیز لازم است اگر معلوم شد که صبح بوده
سوم کسیکه بواسطه کوری یا عذر دیگر از روی اخبار مخبری
بداخل شدن شب افطار کرد یا متمکن از تفحص بوده
بی آنکه تفحص کند از داخل شدن شب بقول عادل بلکه
عدلین افطار کرد چهارم کسیکه بواسطه تاریکی
قطع کرده که شب داخل شده ولی آنکه تفحص کند افطار کرد
دور از اسلام [illegible] نبوده
بعد معلوم شد که مغرب نشده پنجم کسیکه بخیال سرد
کردن دهن آب در دهن ریخت ولی اختیاراً فرو رفت
فصل هفتم در اقسام روزه روزه بر چهار قسم است

واجب و مستحب و مکروه و حرام و روزه واجب هفت است
روزه ماه رمضان و کفاره و قضا و بدل قربانی در حج
تمتع و نذر و عهد و یمین و امثال آن و روز سیم از
ایام اعتکاف و روزه روزی که نماز عشا شب پیش
بواسطهٔ خوابیدن تا نصف شب نخوانده است و روزه
مستحب بسیار است و روزه چند روز مستحب موکد است
پنجشنبهٔ اول ماه و پنجشنبهٔ آخر ماه و چهارشنبهٔ وسط
و ایام البیض هر ماه که سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم
باشد و روز غدیر و روز مولود پیغمبر صلی الله علیه
و آله و روز مبعث و روز دحو الارض و عرفه و مباهله
و هر پنجشنبه و هر جمعه و روز اول ذی الحجه ملکه نه
روز اول آن و روزه ماه رجب و شعبان و غیر اینها و روزه

مکروه چند روز است روزه روز عرفه از برای کسیکه
اورا از دعا عرفه ضعیف کند یا اول ماه معلوم
نباشد و احتمال عید بدهد و روزه مهمان بی اذن
میزبان و روزه فرزند بی اذن پدر و مادر و روزه
حرام چند روز است روز عید رمضان و عید قربان و سه
روز بعد از آن از برای کسیکه در منی است و روز سی ام
شعبان بقصد رمضان و روزه وفا بنذر معصیت و
روزه سکوت و روزه وصال و روزه واجب در سفر
مگر آنکه نذر کرده باشد فصل هشتم روزه بر غیر
بالغ و دیوانه و حایض و نفسا واجب نیست و از مست
و بیهوش و مستحاضه و مریض صحیح نیست و لیکن قضای آن
بر اینها لازم است مگر بر مریضی که مرضش تا سال دیگر

خواندن

و روزه زن بی اذن [illegible] شوهر [illegible] ع

طول بکشد که قضا از او ساقط است ولیکن باید هر روز
یک مد طعام بفقیر بدهد و قضای روزه نوبتی و لیکن
قضای ماه رمضان تا رمضان دیگر نرسیده باید کرد
و کسیکه روزه واجب بر ذمه دارد روزه مستحبی نمیتواند
بگیرد و قضای روزه که از پدر فوت شده بر پسر بزرگ
لازم است و احوط قضای آنها در اسپنر مطلب سیم
در زکوة و در آن دو مقام است مقام اول زکوة بر نه
چیز واجب است گوسفند و شتر و گاو و طلا و نقره مسکوک
بسکه معامله و گندم و جو و مویز و خرما و در همه نصاب
شرط است نصاب گوسفند پنج است چهل یک گوسفند صد
و بیست و یک دو گوسفند دویست و یک سه گوسفند
سیصد و یک چهار گوسفند چهارصد و هر چه زیاد شود

هر صد یک گوسفند نصاب شتر دوازده است از پنج تا
بیست و پنج هر پنج یک گوسفند بیست و شش شتر یکی داخل
در دو سال شده باشد سی و شش شتر یکی داخل در سه
باشد چهل و شش شتر یکی داخل در چهار باشد شصت
یک شتر یکی داخل در پنج باشد هفتاد و شش دو شتر داخل
در چهار باشد صد و بیست و یک و زیاد در هر چهل یک
شتر یکی داخل در سه باشد با هر پنجاه شتر یکی داخل در
چهار باشد و زکوة شتر هر جا که شتر میدهند ماده
باشد نصاب گاو دو است یکی سی گاو یک گاو یک ساله
بدهند نر یا ماده و یکی دیگر چهل گاو یک گاو ماده
که داخل در سه سال باشد بدهند و نصاب طلا
دو است اول بیست مثقال که هجده نخود بعد چهار مثقال

نر دادن جوات ٥ ٤

هرچه زیاد شود ونصاب نقره هم دو است یکی صد و ٨١
چهل مثقال هرچه بخورد و بعد بیست و هشت مثقال
هرچه زیاد شود و زکوة هر دو تقریباً چهل و یک است
و نصاب کند و باقی دیگر صد و چهل و سه من شاه
است فلذا هرچه زیادتر من شاه هزار و دویست و هشتاد
مثقال بیست و چهار نخودی است و در پنج اول شرط است
که سال بگذرد و در سه اول شرط است کارکن نباشند
و در تمام سال بچرند مقام دوم در زکوة فطره است
واجب است زکوة فطره بر هر که داخل ماه شوال شود و
عاقل و بالغ و آزاد و دارای مؤنه سال خود و عیال خود باشد
از برای خودش و هر که عیال اوست بلکه مهمان و مولود که
پیش از غروب وارد شود و مقدار آن نصف من شاه است

در زکوة فطره

٨٢ تخمیناً از خرما یا گندم یا جو و اگر قیمت آن را بدهند بهتر و خوب است
مطلب چهارم در خمس است و در آن دو مقام است اول
واجب است خمس در هفت چیز اول آنچه از معدن بیرون
آورند مثل طلا و نقره و فیروزه و نفت و امثال آن دوم
گنجی که پیدا کند و شرعاً مالک آن شود سوم آنچه از دریا
بفرو رفتن در آب بیرون آورند چهارم هر مداخلی که
مثل آنکه از کافر حربی چیزی گرفتن بدزدی یا امثال آن
یا جواهری که از دریا بیرون افتاده باشد یا از زیر زمین
چیزی حسن که کنز نباشد و امثال اینها پنجم زمینی که ذمی
بخرد از مسلم ششم مالیکه بحرام مخلوط شده مقدار و
صاحب آن معلوم نباشد هفتم آنچه از مؤنه سال زیاد آید
بیاید از تجارت و صناعات و زراعات مقام دوم

نصف خمس مال فقراء بنی هاشم است که شیعه اثنی عشری
باشد و نصف دیگر مال حضرت امام عصر است عجل الله
وارواحنا له الفدا علیه و علی آبائه المعصومین افضل
الصلوة والسلام و در زمان غیبت راه اسلم بغیر از
رجوع بمجتهد جامع الشرایط بنظر نمی آید مطلب ششم
در عقود و در آن چند مقام است اول فروختن و
خریدن که معنی بیع است اگر ثمن و مثمن تاخیر ندارد
نقد است و اگر ثمن تاخیر دارد نسیه است و اگر مثمن
تاخیر دارد سلف است و این هر سه صحیح است و اگر هر دو
تاخیر دارند کالی بکالی است و باطل و باید فروشنده
و خریدار عاقل باشند و سفیه نباشند و مثمن و ثمن
معلوم باشند اگر مکیل و موزون باشند مساوی

باشند که اگر یکطرف زیاده باشد ربا میشود و حرام
اگر از یک جنس باشند مقام دویم اجاره مالک نمودن
کسی است که منفعت چیزی را مثل خانه و دکان و حیوان
و امثال آن بقصد اجاره یا شخصی خودش را اجاره
بدهد بکسیکه عملی از برای او بکند و باید آنچه را که اجاره
میدهد و آنچه را که اجاره است معلوم باشد مقام
سیوم ضمان یعنی کسی ضامن شود که طلب زید را که از
عمرو دارد مثلا بر ذمه او باشد و حواله یعنی طلبی که
زید از او دارد بعمرو مثلا بدهد و کفالت یعنی کرد زید
که مدیون عمرو است قرض عمرو او را هر گاه بخواهد حاضر
نماید مقام چهارم رهن چیزی را که قرار بدهند
که طلبکار مطمئن باو گردد و اگر مدیون او را نداد آنچیز را

در بیان ضمانت

85 بفروشد و عوض طلبش بردارد و قرض یعنی چیزی را مثل طلا
و نقره ملک کسی بکند که هر وقت بخواهد عوض آنرا بدهد
معامله نخیر معینه و وکالت کسی را نایب خود کردن است در
کاری در زمان حیوة و معنی وصیت نایب کردن
کسی است در کاری بعد از مردن و در حقوق مردم و
خمس و زکوة و حج و امثال اینها وصیت واجب است و
در غیر اینها مستحب است و چه بسیار خوب است که وصیت
نامهٔ هر شخص زیر سرش بوده باشد خاتمه بعضی از
علماء رضوان الله علیهم عقد اخوت را ذکر فرموده اند
و فایدهٔ این عقد این است که اگر برادری نموده مقدم
بدارد در حوائجی که دارد بنابر سایر برادران اگر همه
دور اشوند بیماند و اهتمام در دعا خیر با و بیشتر

در عقد اخوت

خاتمه

داشته

در بیان عقد اخوت

86 داشته باشد ان شاء الله تعالی ثوابش زیاده خواهد بود
و صیغهٔ آن با این طریق است که برادر بزرگتر بگوید آخیتک
فی الله و صافحتک فی الله و صافیتک فی الله و عاهدت
الله و ملائکته و انبیائه و کتبه و ائمته علی انی ان کنت من
اهل الجنة و الشفاعة و اذن لی الدخول فیها لا ادخلها
الا و انت معی پس کوچکتر بگوید قبلت و اسقطت عنک
حقوق الاخوة ما خلا الدعاء و الزیارة و الشفاعة
والحمد لله رب العالمین و کوچک قبول کند والسلام
علی محمد و آله الطاهرین و علی اخواننا المؤمنین و رحمة
الله و برکاته

تمت

بسم الله الرحمن الرحیم

پس خواهشی در رسائل مرسوم است محل تامل است محل
اشکال است معلوم نیست اشکال دارد خالی از اشکال نیست
با اعلم راجع شود محتاج بمراجعه است تمام این عبارتها
مفادش یکی است یعنی بی فتوائی است میتوانند رجوع بغیر
نمود یا مختلف است و در بعض صور هم احتیاط را
میدانند تکلیف مقلد چیست و مراد از نمی فهمد چه باید
نمود چه بلی در تمام اینها میتوانند رجوع بغیر نمود مگر
بعید نیست که این زمانها ظاهرا فتوی است و باید اینها نسبتش
طریق احتیاط و تفهیم ... باید سؤال از کسانیکه
میدانند و عالمند نمایند اینها پس مقلد یکی فعلا

بسمه تعالی

میتوانند رجوع بمجتهد خود نماید در مسئله محل ابتلاء
خود و در رسائلهم مسئله را ندیده یا نیست یا میتوانند
رجوع بغیر اعلم نماید یا عدم علم او بمخالفت غیر اعلم با اعلم
و یا رجوع بعالم مجتهد غیر جامع الشرایط تقلید میتوانند
نمود در صورت مظنه بموافقت و با مجتهد خودش یا نه
چه بلی رجوع میتوانند نمود و مجتهد غیر جامع الشرایط
هیچ یک از امور شرعیه نیست والله العالم پس مقلد
میداند که مجتهدش و مدام بمراجعه تجدید رای و تبدل
فتوای جهت و حاصل میشود فعلا در رسائل ابتلاءات
که در رسائل مرسوم است با عدم اطمینان ببقاء مجتهدش
بر آن رای و آن فتوی تکلیفش چیست چه عمل بر رسائل
مرسومه میتوانند نمود تفحص و تجسس لازم نیست والله

بسمه تعالی

٨٩ العالم س در صورت علم بفسق حاکم شرع متضمن
عالمین بفسق حاکم بحکم چنین حاکمی اخذ حقوق سیما
حاکم و عدم انحصار
با عدم انحصار اخذ حق برجوع باین حاکم چه حال دارد
تصرف در این مال ماخوذ از برای محکوم له و از برای
غیر محکوم له در صورت محق بودن ج اگر ماخوذ عین
مال محکوم له بوده باشد تصرف جایز است و الاحوط ترک
والله العالم س یک مسئله در بعض رساله‌ها فتوی
فرموده‌اند و در بعض دیگر احتیاط چه باید نمود ج در ضمن
رساله‌ها محشی بر آنستکه غالبا فتوای من که موافق با احتیاط
است بجا الخود میگذارند حاشیه نمی‌نویسند پس مادامی
با اینکه در رساله دیگر احتیاط فرموده باشند ندارد
و عمل بر آن احتیاط خواهد بود یعنی رجوع بغیر مثلا میتوان

نمود

بسمه تعالی

٩٠ نمود و اما اگر هر دو نوشته یک مجتهد باشد البته احتیاط
نماید تا معلوم شود و اگر تاریخ یکی را بدانند عمل بر آن
متأخر است والله العالم س صیغه‌ای از قبل حاکم
شرع که فلان مبلغ از وجوهات خود را بمستحقین برساند
هرگاه بداند مؤمنین سال خود را بطریق متعارف از ملک
یا مستمری و امثال آن دارد چون زیاده بر آن میکند آخر
سال محتاج خواهد شد مثلا میتوانند از وجوهات باو
بدهد یا نه و مسئله ذی را هم بنمایید که بدانند تنخیر
بمقتضای احتیاج اندازه است ج بیش از خرج سالکه معتاد
میشود نمیتوانند از وجوهات باو داد و مسئله ذی اگر
کسانی که با آن شخص معاشرت دارند و از احوالات او
با خبرند و غرض مثل زنا و دزدی و ملاحظات دیگر ندارند

بگویند

۹۱ بگویند فلان در امور معاش خود زیاده روی میکند
که نجاست و هرجا که شک دارند و میدانند احتیاط فرمایند
انشاءالله تعالی س اهل دیوان اموالی دارند که محتمل اشتمال
حلال در آنها و بعضی اوقات معلوم است حلال بودن
بعضی اموال آنها ولو اینکه در معاملات بذمه میخرند
و بعد وجه آنرا ببایع میدهند کما اینکه متعارف است فعلا
در نوع مردم فعلا اموالیکه معلوم نیست حرمت آنها اگر قبض
و تصرف نمودن و خریدن و فروختن چه صورت دارد
ج مادامیکه خصوص آن وجه را نمیدانند حرام است
و احتمال حلیت میدهند جائز و حلال است بحسب ظاهر
شرع انور والله العالم س در این زمان وضع تجار
بران شده که عنوان کمپانی برقرار نموده اند باینکه جمعی

شریک میشوند و مبلغی وجه هم روی هم مینمایند و مشغول ۹۲
تجارت میشوند و سابق بر این ده تومان صد تومان
هزار تومان میدهند با بر چند نفر که مدار شراکت
و تجارت با آنها است بدون آنکه قراری در میان نفع و
مصارف و ضرر نفع بدهند بر چند نفر در آخر سنه
حساب میکنند بعد از وضع مخارج و ضرر آنچه نفع حاصل
گردیده هر کسی را بحسب تفاوت که داده است نفعی میدهند
این عنوان شراکت است یا مضاربه یا عنوان دیگر
مشروع است یا نه ج علی ای حال جایز و لی ضرر آن
ان شاء الله تعالی و اگر خدا نخواسته خسارتی رو دهد تجار مسطور
ضامن نیستند اگر بدون تفریط باشد والله العالم
س مؤنه مرض زوجه از دوا و اغذیه غیر متعارفه

واجوه طبیب بر زوج است و از نفقات است یا نه و مخارج سفر
نمودن زوجه سفر زیارت یا غیر زیارت باذن زوج
خود مخارج حیکه زاید بر وطن است هم از جهت کرایه و هم از
جهت اغذیه بر زوج است یا نه و کلی مخارج مکه معظمه
از اغذیه و اطعمه که زاید بر حضر است حج کهر بته صورت
بر زوج نیست بلی اگر زوج خواستار بودن زوجه را در
سفر و ملاحظه خود را نموده اگرچه زوجه نیز مایل بوده
بعید نیست مخارج متعارفه سفر بر زوج بوده باشد
س وجوهی که وکیل حاکم شرع است از بابت سهم امام
علیه السلام وغیره ما دامیکه نرسانیده است بحاکم شرع
بدون رجوع و استیذان میتواند معامله کند با نوحیکه
نفعی عاید شود یا نه و در صورت عدم جواز اگر معامله

نمود و نفعی حاصل شد چه صورت دارد ج بدون
اذن حاکم شرع اگر معامله نمود نقصان در عهده اوست
و علی کل حال نفع از مستحقین است باید باذن مجتهد
جامع الشرایط صرف شود س وکیل از قبل حاکم شرع
من باب تحصیل وجوهات مخارجی منما ید مثلا ضیافت
میکند من باب اینکه در ضیافت مردم را آماده کند و آنها را
باداء وجوهات اگر چنین شد و ثمری مترتب شد و
بواسطه آن مجلس عاید شد میتوان مخارج ضیافت را محسوب
نمود از وجوهات یا نه ج مظان اشتباه و وقوع در خلاف
واقع است البته ترک نماید مگر اینکه اذن مخصوص از حاکم
شرع بخواهند البته س شخصی وکیل از قبل حاکم
شرع اخذ وجوه نماید و حواله شد که بلاد و نقود

مگر آنکه [illegible]
بجای خود
بوده [illegible] کرده
باشد و [illegible]
ثمن را از وجوهات
ادا کرده [illegible]
که در این [illegible]
ظاهرا آنقدر [illegible]
راجع بخود [illegible]
و [illegible] مستحقین
[illegible]

٩٥ که کرده است تفاوت دارد در بلدین مثلا در بلد صغیرها
لیره کرده است بقیمت پنج تومان و حواله میکند در بلدیکه
حاکم شرع است مبلغ پنج تومان بدهد بحاکم شرع و اگر
عین لیره شد حواله کند تفاوت دارد مثلا در بلد حاکم
قیمت لیره پنج تومان و ده قران است تکلیف چیست باید
عین لیره را که گرفته است حواله کند تا تفاوت و زیادی عاید
فقراء بشود بالاخره نیست ج باید عین لیره را بحاکم شرع
برساند یا دستور العمل دیگر دهید هر چه فرمایید اطاعت کند
النه تقه س وصی عالم است بدیون موصی و ورثه
منکرند دیون را میگویند باید ثابت شود و قسم یاد کنند
دائن یا وصی میتواند بعلم خود عمل کند یا نه و آیا جایز است
از ثلث بدهد و در صورت علم جواز دادن از اصل ترکه

٩٦ بدون ثبوت و قسم یا نه ج وصی با علم بدین بینه و یمین نه
میتواند وفا نماید و لکن فقط در مرافعه و در ثلث اگر بشود باید
جواب بدهد مجرد علم داشتن ثمری در مرافعه ندارد و از
ثلث نمیتواند مگر بوصیت یا مختار مطلق بودن در ثلث
هو العالم س وکیل حاکم شرع در اخذ وجوهات
وجهیکه میگیرد اگر تبدیل نماید بعین وجه را نقد دیگر
کمتر یا زیادتر و تفاوت دارد آیا واجب است بکند یا جایز
ج واجب نیست اجتناب خواهد بود س شخصی وجهی
میدهد بزید که بجهت اموات و قرائت نماید یا نایب
تارة بگیرد الشخص عالم است که اگر بگوید من خودم قرائت
میکنم یا نایب میشوم نهایت رضایت را الشخص دارد اما
یقین دارد که صاحب وجه قاطع است که زید بغیر میدهد

٩٧ وجود شرعیه کند در آن صورت میتواند زید وجه را بردارد
و فرایت زیارت کند یا نه ج اگر آن شخص وصی یا وکیل و امثال
آن باشد زید نمیتواند بردارد و اگر آن شخص از خود داده مختار
مطلق بوده ضرری ندارد والله تعالی س شخصی عالم است که
زید وجوهات بر ذمه دارد و عاصی است نمیدهد آیا جایز
است بر آن شخص که از اموال او بردارد بقدری که مقدار حقش
میشود و بحاکم شرع برساند و آیا در صورت جواز
یا عدم جواز فرقی میانه وکیل از قبل حاکم شرع و غیره هست
یا نه ج جایز نیست مگر باذن حاکم شرع انور و فرقی میان
وکیل و غیر آن نخواهد بود والله العالم س یکقطره باران
قطره باران بیاید از آسمان نجس بشود مثلا فانه نجس و پاک کننده
است یا نه ج یکقطره و دو قطره معلوم نیست و از عرف باران

بکوید

بگویند پس باید قطرات پی در پی عرفا بیاید که او را باران
بگویند بلکه احوط آن است که نقطه باشد که اگر بر روی سنگ
بازد همین سخت ببارد فکرش جایز شود س تطهیر باب کر
جایز است اگر تعدد بخواهد همین جرینه و حوض و نهر و امثال
آن اگر نجس باشد یا نجس شود چه باید نمود و چه بکند فرق
میشود فشار آن لازم است و چه مقدار باید فشرد ج
اما در تطهیر باب جاری تعدد لازم نیست و در کر وجوب احتیاط
است و در رود بول هم همین است احتیاط لازم نیست اگرچه
احتیاط در آن نیز مستحب است و جمعی تعدد را بهمان نیز تعیین نموده
نموده چون مسئله محل التباس است و متمانت اگرچه
کم باشد چه در کر چه در جاری کافی است بلکه اثر مقدار
نیز احتیاط است نه غساله آب جاری و کر بحکم داخل

و ترک احتیاط
ضرر ندارد
ع

باغ

ج غساله هر دو پاک است خصوصاً جایی که بگذرد
در آن کافی است والله العالم س طریق تطهیر آب نجس
گونه است ج اینکه متصلاً فات نجس نشود مثل باران و
کر و جاری [illegible] بر او شود اگر چه از منبع دور باشد یا بتوسط
فواره و لکن آب دیگر فواره را بگیرد یا کاسه بکنند که آب فواره
متصل با آب حوض شود مثلاً متصل [illegible] کرد از آب نجس با مقدار
از آن آب وارد ممزوج شود عرفاً پاک میشود و باقی ممزوج
شدن با آن ممزوج شده نیز پاک میکرد والله تعالی س حکم
شک دو و پنج و سه و پنج بعد از سلام چیست ج مرحوم
مبرور رضوان مقام آقای حجة الاسلام طاب ثراه میفرمودند
اگر منافی نقل او رده باطل است و الا بر [illegible] بنا
گذاشته در صورت اول و یک رکعت هم چنین در صورت

گذشت که در [illegible] بلکه [illegible] کافی [illegible]

بسمه تعالی

دوم بجای آورد و احتیاطاً نماز را اعاده نماید انشاء الله تعالی
س شک بعد از السلام علینا و علی عباد الله الصالحین حکم
دارد ج اگر عادت بگفتن السلام علیکم را بعد از آن
نداشته اعتنا بشک ننماید و اگر معتاد بوده چنانکه اکنون
متعارف چنین است احوط عمل نمودن بموجب آن شک است
والله العالم س وضو و غسل پیش از وقت را چگونه
باید نیت نمود ج وضو میگیرم یا غسل میکنم که طهارت
حاصل شود که با سوره توحید مثلاً بخوانم قربة الی الله
تعالی و نیت وجوب و استحباب ننماید چون غالباً مبتلا
بنماز قضا میباشیم و اگر بعد سوره توحید را بخوانند
ضرر ندارد و در ماه رمضان در شب [illegible] غسل [illegible]
و اینطریقه احتیاطی است خالی از اشکال معتمد انشاء الله تعالی

ترک این احتیاط عیبی ندارد ع

قصد کون نا بر طهارة کافی است بکنید ع

س زاهد وضامن بودن در معامله با صغیر چیست
ج ولی طفل که پدر وجد پدری است وکیل نماید فروشنده
را که هر وقت آن طفل چیزی بدهد یا بگیرد او قبول نماید که
حقیقة نیز فروشنده خریدار خواهد بود چون وکیل است و اگر
ولی ندارد حاکم شرع انور نیز اذن خواهند فرمود و ملاحظه
عدم مفسده در ولی و مصلحت در حاکم البته خواهد شد
والله العالم س در این زمان بواسطه جزئی که تجربه اکثر
اجمالا بلکه بعض از آنها تفصیلا ولی به بالآخره غالب مردم
با اختلاف مذهب و اجتهاد و تقلید معاشرت مشکل
و اجتناب اشکل تکلیف چیست ج چنین است که ذکر شد
ولی با کسی که بعض اوقات نجس میشود و بعضی از اوقات
پاک است و در حال معاشرت نمیدانند وقت نجس بودن

یا پاک شدن او وقت معاشرت و ملاقات او ضرر ندارد و ١٠٢
شرعا او محکوم بطهارت است و همچنین است حال زنهای از
حمام و امثال آن که وقتی نجس است و وقتی پاک است اگر در
حال ملاقات با آنها نداند نجاست او را شرعا پاک است و
اجتناب از آن لازم نیست و این اشکالات و امثال آن غالبا
از عدم انس بمسئله میشود و شاید در متدینین و ضعفا
منجر بوسواس گردد والله هو الموفق للصواب س از تمامی
چیزهای فرنگی چه صورت دارد و حکم ید مسلم و سوق مسلمین
چیست ج آنچه حلولی نباشد یا حاجت تذکیه شرعا
نداشته باشد مثل قماش و حبوبات و جواهرات و امثال
آنها مادامیکه علم بحرمت آنها و نجاست آنها نیست اگرچه باحتمال
ساختن آنها بچرخ بوده باشد که ملاقات کافر با او

بسمه تعالی

معلوم نباشد که گرفتن و خریدن از کفار عیبی ندارد و بظاهر شرع آنچه حلال و پاک است و آنچه حیوانی است و محتاج به تذکیه است در پوست و چربی و پیه و لحم و مثل آن از کافر گرفتن محکوم بحرمت و نجاست است ولی اگر از مسلم یا کسیکه در بازار مسلمین بوده باشد اگرچه اسلام او معلوم نباشد با اثر اسلام در او باشد جایز است گرفتن و خریدن اگرچه معلوم باشد که از کفار بوده و آنها درست نموده اند و از دست آنها بیرون آمده والله العالم

س صرف بن‌هائی که تجار میگیرند شرعاً چه حکم دارد

ج جواب دو قسم است اول آنکه زید پول در ولایت دیگری دارد برات میکند که بعمرو بدهند و او تحویل میگیرد و بعد از زمانی بزید میرسانند در این قسم حق السعی و حق العمل بطریق متعارف تجار و صرافان

با آنچه

بسمه تعالی

۱۰۲ با آنچه برضای هر دو قرار بدهند جایز است شرعاً عیبی ندارد دویم آنست که زید پول میگیرد و حواله میکند در ولایت دیگر که بعمرو بدهند در این قسم اگر زیاد بگیرد ثابت چون قرض است رباست و حرام خواهد بود لیکن خوب است عوض ده لیره که مثلاً زید میخواهد بگیرد با او مصالحه نماید بپانصد و ده قران مثلاً و زید پانصد و ده قران را برات کند بعمرو که در آنجا بگیرد و بفروختن ده لیره بمبلغ از قران مذکور نیز خوب است ولی چون بیع صرف قبض در مجلس میخواهد بنابر این صعوبتی داشته باشد والله العالم

س کسیکه میخواهد ده تومان مثلاً قرض کند تا یکسال و قرار بدهد که یک تومان بقرض دهنده بدهد چه قسم نماید که شرعاً جایز باشد

ج ده قران بقرض دهنده مصالحه نماید بمبلغ

نبات

بله در این صورت اگر زیادی ده بجهت حواله بدهد ضرر ندارد عم

بلی بلکه اراده ... [illegible] ... نفع ... سر ... از ...

بیان مثلاً و شرط نماید کرده تومان با و قرض بدهد و
تا یکسال مطالبه ننماید والله العالم س در این خرید
و فروشها از خوردنیها و پوشیدنیها و غیر آن که مردم مبتلا
بآنها هستند و بواسطه جهل باحکام شرعیه یا بی مبالاتی
غالب آنها باطل و فاسد است مثل اینکه مجهول است یا
نسیه است و مدت آن معلوم نیست یا باید بخرند میفروشند
و امثال آن چه باید کرد ج معامله و بیع و شرائی نیست
ولی باید رضا ثابت شرعاً ولی تصرف در آنها چون قطع نظر از معامله مالک
مطلقه یعنی با قطع نظر از معامله
راضی است عیب ندارد جایز است با این معنی چونکه زید
از طرفین احراز فروشنده در نزد عمرو خریدار است و پول عمرو در نزد زید
شود ع مه ظله است او راضی است در این حال تصرف غیر او این راضی
است تصرف پول را اگرچه معامله نباشد این را با [illegible]

بعوض میساند و چنین است اجاره که کاروانسراها و خانه
غربا و زوار اجاره میکنند و معلوم نیست چقدر میمانند
میگویند شبی فلان مبلغ چه موجر راضی است که آن غریب
مثلاً در آن منزل بماند و اخراجش نکند و در
در قرار باید پول بدهد اگرچه اجاره او صحیح نباشد لهذا
هر زمان بخواهد او را بیرون کند شرعاً میتوانند و علما
که فرموده اند رضایت بائع نیست حرام است غرض از جهت
معامله و رضایت در ضمن معامله است والله العالم
س ساعتها طلا و زنجیرها طلای چه حکم دارد
شرعاً ج جواب ساعت طلا و نقره که در این زمانها متعارف
است حرام نیست زنجیر طلا این حرام نیست لیکن اگر بگردن
اندازند یا بسینه ببندند و نیز بند که اسباب تجمل است بر مردان

۱۰۷ حرام است مثل انگشتر طلا و در عینک طلا از برای مردان
تأمل است رجوع بغیر فرمایند الله تقدس س تریاک کشیدن
هر جور و بهر قسم جایز است یا حرام ج مداومت بر کشیدن
تریاک بهر جور و بهر قسم از برای نوع بی شبهه حرام است
بر خود ترحم فرمایند و دین و دنیا خود را حفظ نمایند
و خود را در مهلکه نیندازند س چه وارد است که
غنا و حرام است ج اوازیکه مخصوص مجلس لهو و لعب و
مختص اهل طرب و بازی گری است غناء و حرام است اگر چه
در غیر ان مجلس بخوانند یا در نوحه و روضه و قران
خوانده شود و اگر کسی بوجدان خود رجوع نماید
از دانایان سؤال نماید بسیاری از افراد ان بر او
ظاهر خواهد گردید ان شاء الله تعالی

ظاهراً در عینک زینت صادق است و حرام است ع [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

چونکه رسالهٔ شریفه مسمی بصراط المستقیم بواسطهٔ اختصار
و جامعیت آن مرغوب و مطلوب طباع گردید و با نبودن
در معرض الطبع نسخ آن کمتر یافت میشد و از نظر آیت الله
[illegible] لذا بعضی از مؤمنین احیا و نشر آن از جهت
مصحح نموده بواسطهٔ طبع و سابقاً بر حسب خواهش بعضی از
اجلاء السادة ازید توفیقه ملحوظ شد چون بار دیگر
سؤال و نحو آن که از حضرت مستطاب حجة الاسلام و المسلمین
آیة الله فی العالمین مد ظله العالی وجوه خطبا از رقوم
فرموده لهذا ملحوظ شد بعد از تصحیح بنسخهٔ مصححه صراط المستقیم
بواسطهٔ کثرت انتفاع خواص مؤمنین وفقنا الله و جمیع المؤمنین
بما یجب و یرضی حرره اقل خدمة العلماء محمد [illegible] الاصفهانی

بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین

این سؤال و جواب مسائلی است که اقل خلق الله و احقر عباد
المحتاج الی ربه الغنی الکریم میرزا عبد الله از حضرت حجة
الاسلام مرجع الخواص و العوام و نائب الامام علیه و علی آبائه
الطیبین الطاهرین صلوات الله الملک العلام حاجی سید اسمعیل
صدر دام ظله العالی سؤال نموده و جواب بخط شریف خود
مرقوم فرمودند

بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین

سؤال هرگاه شخصی خبر دهند که یوم قبل زلزله شده و
این شخص یقین کرده که راست است لکن در وقت زلزله مطلع
نشده بود نماز آیات واجب است یا نه جواب بسمه الرحمن الرحیم
و به نستعین بلی واجب است والله هو العالم سؤال هرگاه شخص

نفقه عیال و خرج خودش را بر زوجه اش مقاطعه داده باشد
بمبلغ معینی چند سال بهمین قسم بوده حال شوهر وفات
کرده ضعیفه مدعی است که از این وجوهات را اضافه آورده است
ملک ضعیفه میشود یا نه جواب اگر این مقاطعه شرعیه
پسند بوده است آنوجه مال ضعیفه است سؤال آب برای
غسل زنی دختر باکره خارج شدن از آب بجهت هر عضو
میخواهد یا نه جواب نمیخواهد انشاء الله تعالی سؤال هرگاه
شخصی مایحتاج میخواهد ولی از ارباح مکاسب این سال
در بین سال بخرد میخواهد بعد از سال بخرد خمس آنوجه را
باید بدهد یا نه جواب باید بدهد هو العالم سؤال
سادات و فقراء که خمس و زکوه میگیرند هرگاه بعد از
سال اضافه از مؤنه سال باید خمسش را باید بدهند یا نه

جواب نباید بدهند ولی زیاده از مؤنه سال نباید ۱۱۱
بگیرند حال اگر مؤنه سال آینده محبوس دارند مختارند
سؤال هرگاه مسلمانی طفل یهودی را از اهل اسلام اسیر کرده
نگاه داری کرد تا زمان تکلیف بعد هم چند سالی
مذهب شیعه زندگانی نمود بعد وفات کرد آیا
از ابتداء این طفل تابع مسلمان میشود که پاک باشد یا نه
جواب مادامی که صغیر بوده طهارتش مشکل است
بلکه شاید مشهور نجاست بوده باشد والله تعالی
هو العالم سؤال زیدی وفات نموده بدون وصیت
چند اولاد صغیر و یک کبیر دارد مال الصغیر هم نزد
شخص امینی ضبط است عمرو مدعی طلب است و طلب
خود را خدمت حاکم شرع ثابت کرده و قسم هم خورده

این شخص امین میتوانند از مال الصغیر بدهد بعد حصه ایشانرا ۱۲۰
قرض میت را ادا نماید یا اینکه باید صبر نماید تا زمان
بلوغ صغیریان فرمایند جواب میتوانند انشاء الله تعالی
سؤال هرگاه شخص نماز قضای استیجاری را اگر سه
تسبیحات اربعه نخواند کفایت میکند یا نه جواب
بسم الله الرحمن الرحیم و بر تقلید باید رجوع به مجتهد
باشد اگر او در این مقام اذن داد یکدفعه کافی و ترک
الاحتیاط است انشاء الله تعالی سؤال کفار در مذهب
خودشان شراب فروشی را حلال میدانند و وجه آنرا
میگیرند شخص مسلمان میداند این وجه شراب است که فروخته
آیا جایز است تصرف در این وجه یا نه جواب جایز است انشاء
الله تعالی سؤال جواهرات متحجره که بعضی از اوقات

شخص مریض محتاج است بیع و شراء اینها جائز است یا نه جواب
علماء اعلام خرید و فروش متنجس را اگر منحصر بر اینها نیست
جائز نمیدانند مگر روغن نجسه که روشنائی ولی نجاست
جوهرهای معلوم نیست از شکر و قند و مجاز بادتر باشد
و اگر شخص عطار قصد خرید و فروش نکند پولی بدهد
چیزی که نجس است بیاورد پولی بگیرد حاجت دیگری را قضا
نماید ظاهراً اینها عیبی ندارد والله تعالی هو العالم سؤال
هرگاه تعیین سوره نشد در حین بسمله در نماز در
رساله مذکور است که باطل است حاشیه مرقوم فرمودند
معلوم نیست علماء چه یاد کرد جواب ظاهراً معلوم نیست
در خصوص مقام ترجیح عدم بطلان است ولی رجوع
بغیر طریق سلامت محتاج است والله تعالی هو العالم سؤال

هرگاه زن اجنبیه نماز گذار را سلام کند یا آنکه یهودی یا
یهودیه سلام کند تکلیف نماز گذار چیست بیان فرمایند
جواب بسم الله الرحمن الرحیم مرحوم مبرور رضوان
مقام حضرت حجة الاسلام طاب ثراه در سلام اجنبیه
میفرمودند در مورد ریبه وقف نکند قصد شخص مسلم
را نماید قطع نظر از زن بودن و مخالف با قواعد عربیه
نیست و اما یهود چه مرد چه زن اولی نسکه علیک
بوقف بقصد قرآن بگوید بقصد رد نماز نیندازد انشاء
الله تعالی سؤال هرگاه زوجه دائمی خود را شخص
مطلقه ساخت بدون اطلاع زوجه تا عده اش گذشت
با اطلاع نداد تا یکسال گذشت و بطریق سابق تفهیم
هم میداد حال اطلاع داده که در یکسال قبل نوزا

طلاق داده‌ام آنچه نفقه داده‌ام علاوه از زمان عده
را باید بدهی آیا حق مطالبه دارد یا نه جواب بعد از
تحقق دعوای زوج شرعاً اعیان آنچه موجود است حق
مطالبه دارد و آنچه زوجه در حال بقای صرف نموده
یا تلف کرده حق المطالبه معلوم نیست هو العالم سؤال
در ماه مبارک رمضان کذب بخدا و رسول موجب کفاره
جمع میشود یا نه جواب معلوم نیست والله تعالی هو العالم
سؤال هرگاه کسی نماز گذار غلط سلام کند نماز
میشود باطل یا نه از قرائن که سلام در او هست نخواند
بقصد قرائت و جواب سلام انتخص یا نه جواب بلی
خوب سؤال تریاک کشیدن و هر چوب و هر قسم جا
است یا حرام جواب حرام و منبر کشیدن تریاک و هر چوب

و هر قسم از آن نوع که شبهه حرام است بر خود ترحم فرمایند
و دین و دنیای خود را حفظ نمایند و خود را در مهلکه نیندازید
سؤال ساعتها طلا و زنجیرها طلا چه حکم دارد
جواب ساعت طلا و نقره که در این زمانها متعارف
است حرام نیست زنجیر طلا نیز حرام نیست لکن اگر بکار بردن
اند زینت باشند و بزینت گرفته باشند محتمل است بر مردان
حرام است مثل انگشتر طلا و در عینک طلا از برای
مردان تأمل است رجوع بغیر فرمایند ان شاء الله تعالی
سؤال هرگاه مرض زوجه را دوا و اغذیه غیر متعارف
و اجرت طبیب بر زوج است و از نفقه است یا نه و مخارج
سفر نمودن زوجه سفر زیارت یا غیر زیارت با اذن
زوج خود مخارج چگونه باید بر وطن است هم از جهة کراهیه

بسمه تعالی

١١٧ وهم از جهة اعلمیت بر زوج است یا نه وکذلک نماز خارج مکه
معظمه از اعلمیت واطمینه کر زاید بر حیض است جواب در هر
سه صورت بر زوج نیست بلی اگر زوج خواست بودن
زوجه را در سفر و ملاحظه خود را نموده اگر چه زوجه
نیز مایل بوده بعید نیست خارج متعارف سفر بر زوج
بوده باشد سؤال هرگاه شخص در نماز شک دو و
چهار کرد بعد از اکمال بنا را بر چهار گذاشت سلام داد بعد
شروع کرد بنماز احتیاط شک دو و چهار اصل نماز مبدل
شد به شک سه و چهار تکلیف چیست بیان فرمایند جواب
بسم الله الرحمن الرحیم و به نقضی عمل شک سه و چهار میکند و
یک رکعت بدون تکبیر میخواند و نماز را اعاده مینماید علی
الاحوط والله هو العالم سؤال هرگاه شخص تکلیفش نشسته

در بین نماز احتیاط

نماز

بسمه تعالی

نماز خواندن است سر از سجده دویم برداشت بمجرد نشستن ١١٨
شک دو و سه کرد این بعد از اکمال است یا در قیام و هم
همچنین بفرمایید بعد از اکمال در نماز نشسته از کجا تا کجا
است جواب شک بعد از سر برداشتن از سجده دویم
آخر رکعت دویم بعد از اکمال است خواه در حال جلسه
استراحت باشد یا در قیام پس کسیکه تکلیف او نشسته
است باید بنا را بر سه بگذارد و عمل شک دو و سه
را تمام کند تشخیص مطلب دیگر لازم نیست گویا توهم دیگری
موجب سؤال گردد والله تعالی هو العالم سؤال هرگاه
شخص نذر کرد اگر مریضش را خداوند شفا عنایت فرمود
وجه معینی بفقیر بدهد و مریضش شفا نیافت فوت شد
نذر را تغییر بدهد یا نه جواب نمی تواند والله العالم سؤال

هرگاه

هرگاه شخصی بگوید بعد ذکر کردم اگر حاجتم برآورده شد چنین
خواهم کرد یا بکفنش همین لفظ کرند ذکر کردم باشد چیزی بر
او لازم میشود یا نه جواب لازم نمیشود بنابر مشهور
علماء اعلام ولی احتیاط در لزوم است ان شاء الله تعالی
سئوال صدقه همراه نماز گذار باشد نماز صحیح است یا نه
جواب صحیح است ان شاء الله تعالی واحوط ترک است سئوال
شخص در وقت مختص بنماز عصر عمدا قضا نماز صبح خوانده
بعد شروع کند بنماز عصر که نماز عصر دو رکعت
در وقت و دو رکعت در خارج وقت واقع میشود چه
صورت دارد و همچنین آیا فرقی هست ما بین اینکه قضا
صبح همین روز باشد و دیگر قضا بر ذمه نداشته باشد
یا داشته باشد یا آنکه قضا سابق باشد بیان فرمایند

جواب معصیت نموده ولی نماز صبح صحیح است چه از همین
روز یا غیر آن باشد سئوال دندان مصنوعی در دهن
نماز گذار باشد چه صورت دارد از جهت قرائت جواب
ضرر ندارد ان شاء الله تعالی سئوال دندان مصنوعی
هرگاه متحرک باشد در دهان نماز گذار چه صورت دارد
نماز آن جواب ضرر ندارد ان شاء الله تعالی سئوال
متحیر قبله در ضیق وقت هرگاه بقدر دوازده رکعت
نماز بیشتر وقت ندارد نماز ظهر او قضا است یا نه و بر
فرض عدم قضا چه قسم باید نماز بخواند جواب ظاهرا
متحیر باشد چهار رکعت اولا از برای ظهر و هشت رکعت
دو نماز عصر یا دو نماز ظهر اولا و بعد نماز عصر بعد از
آن والله هو العالم سئوال هرگاه شخص قبل از وقت نماز بخواند

الی طریق الطهارات
ع

بسمه تعالی

١٣٠١ وضو بگیرد که بعد از دخول وقت با این وضو نماز واجب را
بخواند همه قصدش همین است لکن بر خود قرار میدهد که
وضو میگیرم بجهت خواندن آیه از قرآن و وضو میگیرد و
آیه را میخواند بعد از دخول وقت با این وضو نماز واجب را
میخواند چه صورت دارد و همچنین غسل را با این قسم بعمل آورد
چه صورت دارد جواب موافق با احتیاط است و بنیت استحباب
و وجوب بنماید ان شاء الله تعالی سؤال هرگاه زید دویست
تومان سرمایه تجارت دارد در یکسال مبلغ دویست
تومان از سرمایه صرف مؤنه شده در سالهای بعد مبلغی
از مؤنه اضافه آمده جایز است دویست تومان را از اضافه
خمس ندهد سرمایه را دویست تومان کند و زیادی
را خمس بدهد یا نه جواب بسم الله الرحمن الرحیم و بعضی اگر

بسمه تعالی

کمتر از دویست تومان سرمایه سال و بدست بیاید مئونه بوده اند
بدویست تومان از منافع کاسبی را خمس بدهد و خمس سرمایه را
قرار بدهد والله تعالی هو العالم سؤال هرگاه زید
عمرو در بلدی هستند و هریک در بلد دیگر شریک دارند
زید بعمرو میگوید بنویس بشریک خود ده لیره مثلا از این
تاریخ لغایت یکماه دیگر بدهد بشریک من و قیمت لیره را
در اینجا قطع مینماید که چند قران میشود و قرار میدهند
یکماه دیگر در اینجا پول سفید از قرار قیمت لیره که قطع شده
بدهد در موعد هم میدهد جایز است یا نه اگر جایز نیست
آن معامله صحیح و جایز است بنا فرمائید جواب ظاهر این
است که اگر ده لیره را مصالحه بپول سفیدی که میخواهند بکنند
مانعی ندارد ان شاء الله تعالی سؤال حلول کردن ربا از

مطلق کفار است یا مخصوص است بحربی و کفار دیگر در بلاد
اسلام هستند و بشرایط ذمه عمل نمیکنند و مسلمانان
از آنها خائف میباشند محسوب میشود حربی باشند یا نه جواب
جواز در غیر کفار حربی معلوم نیست و اهل ذمه که در بلاد
اسلامند اگر چه بشرایط ذمه رفتار نمیکنند ولی در امان
اسلام میباشند والله تعالی هو العالم سؤال در خصوص حجاب
تحت الاسلام عرض میشود اذن بفرمایید در اراضی
مجهول المالک که شخص رسیده و میخواهد نماز بخواند یا
توقف کند فعلا در اینجا یک وجهی در نظر بگیرد و نماز
کند بعدا تو خیر (?) را تغییر بدهد جواب با اذن میباشند
ان شاء الله تعالی سؤال هر گاه شخصی در مرض موت
وصیت کند که زید مثلا دو تومان طلبکار است از

من و مدیون او هستم بعد از وفات شخص زید باید بحکم
حاکم شرع ثابت کند و قسم بخورد یا لازم نیست باید ورثه
بدهند بیان فرمایید جواب اگر اقرار شخص مطلقا مسموع
منکری ندارد مخرجش از ثلث خواهد بود و الا باید مرافعه
شود سؤال هر گاه شخصی یکصد تومان اسکناس میگیرد
که بجای دیگر یکصد و دو تومان اسکناس یا پول نقد
بدهد چه صورت دارد جواب بسم الله الرحمن الرحیم و
به تعیین (?) اسکناس و امثال آن معلوم نیست بنفسه مال بلکه شبیه (?) آن
باشد که خود او قرض داده شود بلکه نظیر سند و برات است
بر آن پولی که میگیرد بتوسط اسکناس قرض میشود و
اگر شرط زیادی بشود ربا خواهد بود والله العالم
سؤال زن کبیره را بعقد انقطاعی طفل صغیر تمدید (?)

ظاهرا اسکناس هم جنسی از اجناس است و مالیت از برای او اعتبار میشود ~~و در این صورت~~ پس اگر معامله بین خود اسکناس و پول واقع کرد از جهة آنکه نازل منزله

دو ساعت در او ورند یا صغیره را بمدت دو ساعت بعقد
کبیره چه صورت دارد جواب احوط در هر دو مقام تا زمانی
بعد از دخول در بلوغ است و چون در عقد انقطاع
ولی میتواند مدت را ببخشد اگر مفسده نداشته باشد و شرط
عدم وطی در آن مانعی ندارد لیکن توهم ضرری در آن
نخواهد بود ان شاء الله تعالی سؤال مشهورات در
چراغ اسراف نیست اصل دارد یا نه مثلاً در مجلس هر گاه
یک چراغ کافی باشد پنج یا ده چراغ روشن مینمایند
و همچنین شخصی خوابیده چراغ را خاموش نمیکند جایز است
یا نه جواب اینها را اگر غرض عقلائی در صرف آن باشد اسراف
نیست والله تعالی هو العالم سؤال هر گاه زید هزار
تومان نسیه میدهد بعمرو و میگوید بحواله میکنم متدرجاً

هر کس هر چند در حواله کردم بده و وجه او دون در نصف تمام شیخا
و زید قرار میدهد که تومانی صد دینار مثلاً بعمرو
حق العمل بدهد شرعاً این حق العمل صحیح است یا نه جواب
مبنی حق العمل زائد است در مفروض سؤال غیر از منفعت
پول نیست والله العالم سؤال در نماز نشسته سمع الله
و بحول الله گفتن چه صورت دارد جواب ضرری ندارد
ان شاء الله تعالی سؤال در نماز مستحبی شخص سوره را
ترک کند ولی قنوت را بخواند چه صورت دارد جواب
ضرری ندارد ان شاء الله تعالی سؤال هر گاه شخص مسافر
نماز عشا را نخوانده خوابش برد تا بعد از نصف شب و فردا
را روزه بگیرد یا صبر کند در جائی که قصد اقامه میکند
روزه کفاره عشا را بگیرد جواب اگر آن روز را خطا

بسمه
مراد از عبارت
معلوم نیست
ظاهراً حق العمل است
و عیب ندارد
والله العالم
ع م طه

بسمه تعالی

روزه بر او دیگر امساک نماید و قضا نیز نماید ولی البته
احوط خواهد بود ان شاء الله تعالی سؤال هرگاه زن
روزه تتابع واجب شد روزه کفاره مثلاً اگر روزه
کفاره عشاء را بگیرد تتابع بهم میخورد یا نه جواب ظاهراً
بهم نمیخورد والله العالم سؤال هرگاه دو ظرف آب باشد
یکی از آن دو آب نجس است و مشتبه از هم و باید اجتناب
نمود و وضو با هیچیک صحیح نیست اگر یکی از دو آب مشتبه نجس
یا مفقود شد آن دیگری چه حکم دارد نجس است یا پاک در
با آن وضو گرفت جواز آن دیگری از افراد الاجتناب است
نمیشود وضو از آن گرفت والله العالم سؤال هرگاه
شخص یکصد تومان مثلاً قرض کند که منفعت بدهد
بقرض دهنده این صد تومان شرعاً ملک این شخص میشود

بسمه تعالی

١٢٧ که بیع شرط کند و لباس بخرد و بپوشد یا غذا از آن بخرد
بخورد یا نه جواب صد تومان مذکور ملک گیرنده
شرعاً نشده اگر قطع نظر از معامله مالک راضی در
تصرف بوده تمام رشته ترتیب بر آن جایز است رضا
والله العالم سؤال در عده منقطعه که شوهر مدت
را بخشیده بود باعتقاد اینکه میشود رجوع کرد در
بین عده رجوع کرده و مقاربت هم کرده آیا سبب حرمت
ابدی میشود یا نه جواب معلوم نیست والله تعالی هو العالم
سؤال در نماز واجب بواسطه ضیق وقت که باید
سوره را ترک کند اگر قنوت بخواند چه صورت دارد جواب
مانعی از جواز بنظر نمیرسد والله تعالی هو العالم سؤال
هرگاه زید یقین دارد که فردا شب خسوف واقع میشود

۱۲۸ ودر وقت خسوف زید خواب بود مطلع نشد بعد معلوم
شد که خسوف واقع شده لکن تمام نکرفته قضا نماز
آیات لازم است یا نه جواب بروم معلوم نیست ولی
احوط است سؤال ختنه کردن اطفال بر ولی واجب
است یا مستحب وهرکاه ولی ختنه نکرد بعد از بلوغ
بر طفل واجب است یا نه جواب بر طفل بعد از تکلیف
واجب است بر ولی قبل از آن احوط والله تعالی هو العالم
سؤال در مسائلیکه محتاج الیه شخص نیست وفتوای
حضرت تعالی بدست نیاید یا مسئله محل تأمل باشد
اکر مقلد بخواهد رجوع بمجتهد دیکر کند در آن مسئله بلکه
بلکه از علماء اعلام اذن میفرمائید رجوع کند جواب
هریک از علماء اعلام که در این اوان در معرض تقلید

۱۲۹ میباشند رجوع نمایند ولی خوش دارم که اورع را مقدم
بدارند بلکه راضی نیستم بغیر ایشان فهو العالم سؤال هرکاه
شخص در وقت مختص بنماز ظهر مثلا مشغول شود بنماز
قضائی یقینی یا احتیاطی قبل از اتیان بفریضه جایز است
یا نه جواب در اول وقت جایز بلکه مستحب بلکه احوط
ودر آخر وقت جایز نیست والله تعالی هو العالم سؤال
ضعیفه در خانه شوهر مریضه میشود خرج دوا و غذا که
محتاج است داخل در نفقه است باید شوهر متحمل
شود یا بر خود ضعیفه است اکر شوهر ندارد دین است بر او
یا نه جواب دوا و آنچه لوازم اوست معلوم نیست از نفقه
باشد پس اکر ندارد دین نخواهد بود فهو العالم سؤال
روضه خوانی در مسجد با بر نحوی که مسجد را سیاه پوش نمایند.

وچراغها از قبیل چهل چراغ وچادر میگذارند وزمین
مسجد را فرش میکنند واسباب قهوه خانه بجهة چای
وقلیان مهیا مینمایند وچادر میزنند ومنبرها کوبیده
میشود جایز است اینگونه تصرفات در مسجد وتعزیه داری
یا نه واز برای مستمعین جایز است رفتن در آن مجلس یا نه جواب
ظاهر اینست که اینها از تصرفات که موجب ضرر بر مسجد نشود
عرفا ومانع از مصلین نباشد مانعی ندارد والله العالم
هو العالم سؤال چلودی که از بلاد کفر میآورند وزید علم بر
ترکیبه شرعیه آن ندارد آیا است با عدم علم کفایت میکند جواب
لشرط آنکه احتمال بدهد که این اگر از ید مسلم یا سوق مسلم اگرچه مجهول الحال باشد
مسلم فحص از حال این چلود نموده عدم علم کافی است اگرچه علم داشته که از دست کافر بیرون
آمده فهو العالم سؤال بیع شرطهائیکه معمول است
صح

باین قسم که خانه مثلا هزار تومان قیمت دارد میفروشد
به بیع شرط بمبلغ دویست تومان ولی نه بایع قصد
فروش دارد نه مشتری قصد خرید بلکه بعضا اوقات ملتفت میشود
که مشتری میگوید بگذار تا زیاد نرود در بیع قرار بدهید من
نمیخواهم خانه تو را تصاحب کنم بایع میگوید همین قدر بس
است که من نمیخواهم خانه خودم را بتو بفروشم این معامله صحیح است
یا نه جواب بیع شرط اگر قصد خرید و فروش نیست
بی شبهه باطل است بلی اگر قصد دارند ولی از یکدیگر
مطمئن میباشند که اگر عمل بشرط هم نشود ملک را باو
رد خواهد نمود مانعی ندارد و باید در اینصورت
بایع بداند که اگر فرضا بعد از لزوم و پیش از رد مشتری
مرد بر او حرام است مطالبه تماما بلکه مطلقا اگر وارث او

غیر مکلف باشد و از احرام است بدون رضای انهما
سؤال هرگاه ماموم عالم است که امام فسقی کرده که موجب
حد شرعی بوده ولی خدمت حاکم شرع ثابت نشده بعد
تائب شده و توبه کرده است آیا جایز است با این امام اقتداء
کردن یا نه جواب بسم الله الرحمن الرحیم اگر ملکه عدالت
نفس مذکور زایل نشده بعید نیست بعد از توبه جایز
باشد ولی اگر در حال محجوب بودن از ائمه جماعت بوده
چنین فسقی از او صادر شده مناسب ترک اوست پروردگار
عالم همه را حفظ فرماید انشاء الله تعالی سؤال هرگاه
شخص مستقر را در قیام را بعمل آورد در حین خم شدن
بجهت رکوع که بدن در حرکت است پاها را حرکت میدهد
ضرر بجهت نمازش دارد یا نه جواب ضرر ندارد انشاء الله

تعالی

بسمه تعالی

تعالی سؤال هرگاه شخص روزه دار ماکول و مشروب
هر دو را ممزوج کند و بخورد یا انکه هر دو را در دهان کند آنها
مثلاً آب انار و برنج بعد خود برنج را که مابقی آن است بلع
میکند آیا دو کفاره تعلق میگیرد یا یک کفاره کفایت
میکند جواب یک کفاره کافی است والله هو العالم
سؤال هرگاه شخص روزه دار در مجالس متعدده
از یک جنس افطار کند مثل آنکه در دو مجلس نان خورد
کفاره متعدد میشود یا نه جواب بلی متعدد است والله هو
العالم سؤال در قنوت نماز و بر جاهل مؤمن را که
دعا میکند بفارسی اذن میفرمایید دعا کند مثل اینکه
بگویند خدایا حاجی میرزا حسن را بیامرز یا نه جواب
ضرر ندارد انشاء الله تعالی سؤال هرگاه شخص روزه دار رمضان

مبارک

مبارک را عمداً افطار کرد بعد قبل از ظهر مسافرت اختیار
کرد کفاره ساقط میشود یا نه جواب احوط کفاره است
بلکه خالی از وجه نیست والله هو العالم سئوال کفاره
شهر رمضان اگر شصت مسکین نباید اطعام بدهد هرگاه
به یک مد بدهد کفایت میکند یا نه جواب با اطمینان
بصرف در طعام ضرر ندارد ان شاء الله تعالی سئوال هرگاه
حاجی که در میقات که محرم میشود از اول تقصیر میکند
مثل اینکه سر را میپوشاند ولی در بین راه و در منزل
گاهی سر را برهنه میکند و گاهی میپوشاند تا وقت
طواف آیا یک قربانی کفایت میکند یا بجهت هر دفعه که
سر را برهنه کرده و بعد پوشیده یک قربانی باید
بنماید و همچنین مکرر درخت از زمین اگر کنده باشد جواب

بسم الله الرحمن الرحیم در سر پوشاندن بنحو مذکور ظاهراً
یک کفاره کافی است ولی در مکرر درخت مکرر میشود
فهو العالم سئوال صورت زن نامحرم عورت است یا خیر
جواب بسم الله الرحمن الرحیم عورت بودن آن معلوم نیست
ولی مهما امکن ترک احتیاط را نمایند ان شاء الله تعالی
سئوال زمینی که واهل از معادن است یا خیر جواب
بعض از افراد زمین معدن است مثل مرمر و اخوان و ملح
وکچ را از معادن محسوب دارند ان شاء الله تعالی سئوال
اخراج مؤنه در غلات بشود و بعد زکوة داده شود
یا قبل از اخراج زکوة موضوع شود جواب احوط در
مؤنه قبل از تعلق وجوب اخراج نمودن است و بعد
از تعلق هم میتوان اخراج داد ولی خلاف احتیاط شدید است

اخراج مؤنه مطلقاً در زکوة محل اشکال است مگر مؤنه که از عین اخراج میشود [illegible]

مگر در مورد یکه ضرر کلی و اجحاف بر مالک شود والله
هو العالم سؤال در معادن که خمس تعلق میگیرد
و کسانی که متصدی امور معدن هستند اخراج خمس نمی
کنند چه کفار باشند در معدن طلا و نقره و مس و
غیره و اجناسیکه از ارباح مکاسب باشد که اعتقاد
بخمس ندارند چه مسلمان باشد که عصیاناً خمس نمیدهد
در هر صورت تکلیف کسانی که با این اموال مبتلا هستند
چه چیز است جواب کفار را رجوع بغیر فرمایند اما شیعه
هر مالی که بدست او بیاید و علم دارد که خمس آنرا نداده
باید بدهد بلی میتوانند بان دهنده رجوع نماید انشاء
الله تعالی سؤال استعمال بادگیر نقره جایز است یا نه
جواب جواز آن بعید نیست والله تعالی هو العالم سؤال

هرگاه شخص نماز قضا بسیار در ذمه داشته باشد میتواند
به تسبیحات و ذکر رکوع و سجود را یکدفعه بخواند یا نه جواب
بلی میتواند انشاء الله تعالی سؤال اگر شخص قرائتش صحیح باشد
و معنی صیغه را بداند ولی صرف و نحو نخوانده باشد مثل اینکه
زن بگوید زوجتک نفسی مرد بگوید قبلت صحیح است یا نه
جواب صحیح است انشاء الله تعالی سؤال هرگاه مرد خودش
در اینصورت طرف ایجاب و قبول بشود چه صورت دارد
جواب معلوم نیست عیب داشته باشد اگر بعد از آن زن
را هم تلقین نماید که او هم بگوید یعنی احوط این است که اکتفا
در ایجاب و قبول بخودش نکند والله هو العالم

هو

در عهد دولت

جاوید مدت سلطان العادل

والملک الباذل السلطان بن السلطان

والخاقان بن الخاقان بن الخاقان مظفر الدین

شاه قاجار خلد الله ملکه و دولته این رساله

شریفه بصورت اتمام و اختتام پذیرفت و کمال

دقت در تصحیح و تنقیح آن نموده در

مطبع کلزار عالیجناب میرزا علی اصغر

و مشهدی عبدالرحیم الاصل طهرانی

المسکن بطبع رسید

۱۳۲۰





